

پیامبران اولوالعزمی در نگاره‌ها قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری



چکیده

قصص الانبیا، قصه‌های نقل شده در خصوص حوادث و شاخصه‌های مهم زندگی پیامبران در کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن است. هدف اصلی نقل این روایات، دعوت انسان‌ها به سوی خداوند و نگاهی عبرت‌آمیز به گذشتگان می‌باشد. نقل این داستان‌ها به وسیله هنرمندان نگارگر، خوشنویس و مفسران قرآنی، در مقابل هجوم تبلیغات هنرمندان دیگر بلاد، که نقاشی را جایگاهی برای تبلیغ ادیان خود قرار داده بودند، بدان جهت بوده است تا با استفاده از مضامین مذهبی و روایات قرآنی، تفکر و بینش دینی مسلمانان را در سراسر بلاد مسلمانان گسترش و تحکیم بخشند. در ابتدا این مضامین بدون تصویر در نسخ ادبی مسلمانان مورد استفاده قرار گرفت. در دوره‌های بعد با کمک تصویرسازی و هنرترین کتب و نسخ خطی، این نسخه‌ها مزین به تصاویری جهت بهتر نمایان ساختن مفاهیم ادبی، گشت.

در این مقاله سعی بر آن است تا به بررسی نسخه‌های مختلف قصص الانبیا و داستان‌های نقل شده قرآن در آن‌ها، با موضوع پیامبران اولوالعزم بپردازد.

سؤالاتی که در این مقاله پاسخ داده می‌شود:

- ۱- جایگاه بررسی نسخه خطی قصص الانبیا در مطالعات ادبی ایران چیست و چه تعداد از این نسخه تاکنون به دست ما رسیده است؟
- ۲- مضامین مورد استفاده در این نسخه کدام است؟
- ۳- پیامبران اولوالعزم در نگاره‌های نسخه‌ی قصص الانبیا چه جایگاهی دارند؟ و در پاسخ به این پرسش‌ها، اهداف زیر مورد نظر بوده است:
 - ۱- دستیابی به مضامین نگاره‌های موجود در نسخه خطی قصص الانبیا
 - ۲- شناسایی و تحلیل نگاره‌های قصص الانبیا براساس مضامین و داستان‌های پیامبران اولوالعزمشیوه کار در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مطالب و تحلیل و تفسیر نگاره‌ها بر اساس مطالب و یافته‌های دوره‌های تاریخی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قصص الانبیا، مکتب نگارگری صفویه، پیامبران اولوالعزم، مضامین نگاره‌ها.

مقدمه

هنر اسلامی در واقع هنری است که حاصل تفکر و بینش دینی مسلمانان در مواجهه با آثار هنری بیگانگانی است که هنر آن‌ها در ضمن فتوحات اسلامی، تسخیر و تصرف شده و به تدریج در حکم مواد در صورت و روح هنر اسلامی هضم و جذب شده‌اند. قرآن و روایات معصومان اسلامی، نخستین راه‌های چگونگی تخیل و تفکر، در باب عالم وجود و تمثیل معنویت اسلامی را در عرصه خیال به آدمی آموخت.^۱

در این میان قصه از مفاهیمی است که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. اختصاص بخش عظیمی از آیات الهی به قصص، نشانه‌های آشکار این امر به شمار می‌آید، چنان که پروردگار عالمیان قصه‌ها را برای جامعه انسانی، نوعی عطیه الهی می‌داند که در آن خبرهای گذشته و سرگذشت انبیاء و امت‌های پیشین نقش بسته است.^۲

قرآن معجزه جاوید الهی است و مهمترین جنبه‌ی اعجاز آن، هنر کلامی است. بیان قرآنی، پدیده‌ای شگفت‌انگیز بوده و زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد. جاذبه و کشش در آن موج می‌زند و سخنش بر اعماق جان می‌نشیند و این راز جاودانگی قرآن است. در حقیقت خداوند برای پیامبر خاتم، معجزه‌ای را برگزیده است که دارای اوج تعالی و کمال می‌باشد و از چنان قدرتی برخوردار است که تا پایان این جهان فانی، نیروی بشر را قدرت برابری و دسترسی به آن نیست.^۳ هر کلام نمایانگر تصویری است. این تصویر می‌تواند به اجمال طرح شود یا در سیری متوالی به تصاویر بسیار متنوع تبدیل گردد. از آنجا که صورت منعکس در آینه خیال هنرمند، حقیقت اثر هنری است، همه هنرها وجه مشترکی در تصویر می‌یابند. از این رو هنر نگارگری، صحنه هم‌سخنی چندین هنر، همچون نقاشی، شعر، خوشنویسی، معماری و دیگر هنرهای سنتی است. دوره‌های مختلف نگارگری، نشان‌دهنده سیر این تعامل و جلوه‌گری هنرها در یک نگاره است.^۴ بسیاری از نویسندگان، اعتراف می‌کنند که کم‌تر ملتی به قدر ایرانیان، در هنر نگارگری توانمندی خویش را نشان داده است. ارزش تصاویری که نخستین بار در نسخه‌های خطی دوره ایلخانی پیدا شد و پیشگام نقاشی دینی اسلامی بود، از این جهت نیست که آن تصاویر ناشی از عوامل تحول و تکامل نقاشی دینی بعد از آن بود، بلکه از این جهت است که این تصاویر نمایانگر زیر بنای جهش نیرومندی در نقاشی ایرانی در طول سده‌ی چهاردهم / هشتم است. از نکات اساسی در باب نگارگری ایرانی، به روایت بسیاری از نویسندگان، ایرانیان نگارگر شیعه بودند که در نقاشی دینی نوآوری ایجاد نمودند؛ هر چند به روایت ثروت عکاشه، این تیموریان سنی مذهب بوده‌اند که نخستین بار، کشیدن تصویر پیامبر را جایز دانسته‌اند. در این دوره نوعی نگارگری اولیاء و انبیاء شکل گرفت که در تصاویر نسخه‌های مذهبی از هاله‌های نورانی اطراف سر اولیاء و رویندهایی که چهره آن‌ها را می‌پوشاند، استفاده نمی‌شد. اما در گذر زمان، گونه معنوی تری از تاریخ نگاری تکوین یافت که از ادبیات تاریخی متفاوت بود. در دوره‌های بعد، مسلمانان ضمن بهره‌گیری از تصاویر اولیاء به تصویرگری دیگری پرداختند که احساسات قدسی بینندگان را بر می‌انگیخت. در چنین فضایی، نگارگری اولیاء کارآمد و موجب تهییج احساسات مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، به خصوص ایران، عثمانی و هند شد و در دفع فرهنگی مآبی محض مؤثر افتاد. نقاشی دینی در محیط فرهنگی متأخر اسلامی و شیعی، بعضاً برای القای معانی‌ای مانند بیم دادن از دوزخ و امید دادن به بهشت و تشویق به اطاعت الهی در آمد.^۵

در میان این مضامین تاریخ نگار، قصه‌های برگرفته و نقل شده در کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن، وجه ممتازتری داشته و بیشتر مورد توجه بوده است. در این مقاله توجه اصلی بر روی نگاره‌ها و نگارگری‌هایی برگرفته از داستان‌های پیامبران (پیامبران اولوالعزم) نقل شده در قرآن است. لذا در این جا ابتدا تحلیلی بر قصه‌های قرآن و پیامبران خواهیم داشت. در بخش بعد تأثیر هنر شیعی دوران صفویه بر تصویرسازی کتب مذهبی بررسی می‌شود سپس به مطالعه نسخه‌های موجود قصص الانبیاء که در خلال سده‌ی شانزدهم - دهم مفسور شده‌اند می‌پردازیم. در بخش عمده مقاله به بررسی تصاویر موجود قصص الانبیاء ابواسحاق نیشابوری مفسر سده‌ی یازدهم / پنجم به جهت اهمیت ادبی و محتوایی پرداخته می‌شود.

۱- میناز، شایسته‌فر، تأثیر سیره پیامبر (ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، سال سوم، شماره ۵، محل نشر: تهران، ناشر: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰.

۲- محمد تقی، ملیوی، روش‌شناسی قصه در قرآن، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲، تهران، خانه کتاب ایران، ۱۳۷۸، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۷.

۴- محمد علی، رجیبی، جلوه‌های آیات و اذکار در نگارگری اسلامی ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲، تهران، خانه کتاب ایران، ۱۳۷۸، صص ۱۷-۱۶.

۵- محمد، مددیپور، نظری و تأملی در باب صورتهای خیالی اولیای الهی در نگارگری ایرانی اسلامی، پایگاه رسمی انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۰، ۸۶- ساعت ۲۱:۴۱
www.aftab.ir/articles/art_culture/painting

تأثیر مذهب صفوی بر تصویرگری کتب مذهبی

حکومت صفویان، حکومتی مذهبی و بر پایه تشیع بود. با تأسیس این حکومت، مقطع جدیدی در تاریخ ایران گشوده شد، حاکمان صفوی علی رغم فشارهای داخلی و جنگ های خارجی، ۲۲۵ سال در ایران حکومت کردند.

مذهب در این دوره ریشه مذهبی در ادوار قبلی خود داشت، و نیز به جهت این که زمینه بسیاری از تحولات اجتماعی، سیاسی و مذهبی در دوران بعدی را پدید آورد، اهمیت ویژه ای در تاریخ اسلام و ایران یافت. تشیع در جایگاه تفکری مذهبی- سیاسی در دل توده های مردم ایران نفوذ ویژه و خاصی داشت و جنبش های مردمی را علیه ظلم و حکام رهبری می کرد، لذا بعید به نظر نمی رسد که زمانی به عنوان مذهب رسمی اعلام شود.

برخورد احتیاط آمیز اسلام در مورد برخی از هنرها- از جمله نقاشی- از همان آغاز سبب شده بود، هنرمندان برخی از رشته های هنری تا دوره صفویان، که از خاندان تصوف برخاسته بودند، هم چنان از حمایت علمای دین محروم باشند. اما شاهان صفوی راه را به روی هنرمندان اغلب رشته ها باز کردند. در عین حال با تبدیل شدن امپراطوری صفوی به قدرتی سیاسی که تا سده شانزدهم/ دهم نیز ادامه یافت، تصویرسازی متون مرتبط با وقایع تاریخی، همانند آنچه در مورد تصویرسازی نسخ دیگر در سده ی پانزدهم/ نهم اتفاق افتاده بود، مورد توجه قرار گرفت. این تصاویر و وقایع مربوط به آنها غالباً مضمونی هنرمندانه داشته و نوعی گرایش مذهبی در آنها دیده می شود. در دربار عثمانی نیز مشابه این موضوع دیده می شود که به احتمال قوی حاصل رقابت این دربار با دربار صفوی بوده است و عجیب نیست که در آن دوران، در کنار تصویرسازی متون مختلف، شاهد تدوین تعداد زیادی نسخ مصور با موضوع های تاریخی و مذهبی باشیم. چون ایران عهد صفوی، کشوری بود با سیاست خاص مذهبی، بسیاری از معنویات را تحت الشعاع خود قرار می داد، شاهان صفوی تمام سعی خویش را در تشویق مذهب و ترویج معنویات در جنبه های هنری و فرهنگی به کار می بردند.

ادبیات در عهد صفوی- به استثنای ادبیات مذهبی- رو به انحطاط نهاد چرا که شاهان صفوی به امور دیگری مانند کشورداری و کشورگشایی مشغول بودند. تشویق دربار صفوی به افزایش آثار مکتوب، مطالعه های مذهبی و اعمال سیاسی آنان، تأثیر مستقیمی در ادبیات و دیگر هنرها گذارد و سبب رونق خواندن و نوشتن کتب مذهبی شد. از نمونه های بارز آن کتاب روضه الشهداء نوشته حسین بن علی بیهقی سبزواری معروف به واعظ کاشفی (متوفی ۱۵۰۳/۹۱۰) است که مربوط به مجالس عزاداری امام حسین (ع) است. همچنین برخی کتب مذهبی مانند جوامع التواریخ، تذکره ی الاولیا و قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری دوباره نسخه برداری شدند. در آن زمان، سبک نقاشی و هنر کتاب آرای، برگرفته از مذهب بود. به طور کلی وجود هنرمندان و دانشمندان دینی دربار شاهان متعصب شیعی مذهب، سبب شد که فرهنگ و هنر در عهد صفوی، صورت مذهبی و معنوی به خود گیرد.

نقاشی مذهبی، در سایه امنیت و حکومت دینی رونق یافت و هنرمندان به مصورسازی نسخ مذهبی علاقه خاصی پیدا کردند و از این طریق ارادت و احترام خود را به اهل بیت نشان می دادند. از آن جا که در دین اسلام- بنا بر آنچه در قرآن آمده- همه پیامبران الهی دارای ارج و قرب الهی هستند، در کنار پرداختن به موضوع زندگانی حضرت محمد (ص) و امامان (ع)، شاهد اهمیت دادن به مصورسازی قصص الانبیا نیز هستیم.

سبک نقاشی با گرایش و دیدگاه شیعی که پیش از آن با حمایت تیموریان در سده ی پانزدهم/ نهم رواج یافته بود، به اوج خود رسید و پیوند عناصر روحانی و حقانیت شیعه را تداوم بخشید. نگارگری اسلامی سیر تحول خود را به سوی کمال از دوره مغول آغاز و در دوره جلایریان به اوج رسانده و از تیموری به بعد، شاهد جلوه های به بار نشستن تلاش دوره های گذشته هستیم. در این دوره با توجه به گرایش تدریجی حکام المذخانی و تیموری به دین اسلام و اسلام آوردن آنها، تأثیراتی در هنرهای مختلف از جمله هنر نگارگری و کتاب آرای دیده می شود که از آن جمله، دستور تهیه نسخ خطی با مضامین مذهبی و یا به تصویر کشیدن صحنه های مذهبی موجود در ادبیات و داستان های ادبی است. بنابراین از این دوره به بعد، که نگارگران مسلمان زمینه

اجتماعی و سیاسی را برای دین‌ورزی آزادانه، مساعدتر می‌دیدند، بخش وسیعی از هنر خود را به خدمت تصویرگری کتب مذهبی و چهره‌نگاری پیامبران و ائمه معصومین درآوردند.^۸ در دوره صفویه کتب قدیمی، بازنویسی یا نسخه‌برداری شدند. مانند جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تذکره‌ی الاولیاء فریدالدین عطارنیشابوری، قصص‌الانبیاء ثعلبی و کلیله و دمنه نصرالله منشی و حیره‌الابرار جامی.^۹

قصص‌الانبیاء و تحلیلی بر قصه‌های قرآنی

فَأَقْصصَ الْقِصَصَ لَعَلَّكُمْ يَتَفَكَّرُونَ حکایت‌ها را برای مردم بگو، باشد به فکر آیند» سوره اعراف- آیه‌ی ۱۷۶.

کلمه‌ی «قصص» در عربی بر وزن «عسس» که واژه «قصه» از آن گرفته شده بیشتر به روایت یا رویدادی واقعی در زمان گذشته دلالت دارد.

قصه در لفظ عربی به معنی پی‌گرفتن یا داستان‌پی‌گرفته در گذشته است. قصه‌گویی در قرآن با این معنا بیوندی نزدیک دارد. وقایع گفته شده در قرآن، برخی متعلق به گذشته دور و برخی گذشته نزدیک است و هدف آن‌ها عبرت است.^{۱۰}

قرآن معجزه جاوید الهی است و مهم‌ترین جنبه اعجاز آن، هنر کلامی آن می‌باشد. قصه در قرآن با قصه در مفهوم عام آن در ادبیات و فرهنگ بشر متفاوت می‌باشد، چرا که قرآن از فرهنگ ویژه‌ی سرچشمه گرفته و حقیقت این فرهنگ، طرح معارف الهی و حقایق جهان است. این ویژگی سبب شده، هرچه در آن یافت گردد، با فرهنگ و روح کلی حاکم بر این کتاب آسمانی سنجیده شود.^{۱۱}

مهم‌ترین هدف داستان در قرآن، دعوت انسان به سوی خداوند است. داستان‌های گذشتگان در قرآن به شیوه‌های مختلف در خدمت هدف اصلی دین که همان دعوت انسان‌ها به سوی خدا و رستگاری انسان‌هاست، قرار می‌گیرد.

داستان‌های قرآن اغلب روایت پیامبران، قبل از حضرت محمد (ص) را بازگو می‌کنند. در هنگام روایت قصص‌الانبیاء، در پایان، میان یا ابتدای قصه، همواره بر این مهم تأکید می‌شود که ادیان پیشین و دین اسلام، همگی از گروه ادیان توحیدی و از جانب خداوند بر انسان‌ها نازل شده‌اند. به این ترتیب قصه‌های پیامبران گذشته با این نگره قرآنی، به نحو بسیار زیبایی با سرگذشت حضرت محمد (ص) گره زده شد و پایه وحدت تمام ادیان توحیدی گشت.

قصه‌های قرآنی از دیدگاه ادبی واقع‌گرا محسوب می‌شوند، زیرا خصیصه اصلی این قصص آن است که حق بوده و به حق واقع شده‌اند. همانا این داستانی است راست و درست سوره آل‌عمران- آیه‌ی ۶۲.^{۱۲}

به‌طور کلی سیر داستانی قصه‌های قرآن شامل دعوت پیامبران، تکذیب آن‌ها از سوی قوم و در نهایت نازل شدن عذاب الهی بر قوم و در برگیرنده پیام الهی است که پیامبران هم سرگذشت واحد و هم پیام واحدی داشته‌اند.

در نگارگری ایرانی، قصص قرآن با نام‌های قصص‌الانبیاء، سیرالنبی، انبیا نامه، فال‌نامه، معراج‌نامه، آمده است. البته در کتاب‌هایی نظیر جوامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز تعدادی از داستان‌های پیامبران شرح و تصویر شده است.^{۱۳}

در داستان‌های قرآنی، سه عامل برجسته وجود دارد: شخصیت، رویداد، گفتگو، در بیشتر داستان‌هایی که مستقیماً به پیامبران و مؤمنان مربوط است، نقش شخصیت غالب است مثل حضرت ابراهیم (ع)، برخی از قصه‌ها به نحوی تنظیم شده است که رویداد در آن‌ها مرکزیت دارد، مثل داستان اصحاب کهف. در تعدادی از آن‌ها نیز گفتگو در شکل‌گیری‌شان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد مثل: داستان یوسف و زلیخا. برخی دیگر از قصص به‌گونه‌ای است که هر سه عامل در شکل‌گیری آن‌ها محوریت دارد، مانند معراج رسول اکرم (ص). در قصص قرآن، خواه شخصیت محور باشد یا رویداد یا گفتگو، توازن و ارتباط در بین عناصر، به‌نحو ظریفی حفظ می‌شود و استمرار می‌یابد و خواننده را همراه و مجذوب خود می‌سازد. حرکت، زمان و مکان در قصص نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. حرکت و زمان با یکدیگر در شکل‌گیری داستان‌ها دخیل اند و ساختار آن را تعیین می‌کنند.^{۱۴}

- ۸- مهناز، شایسته‌فر، تأثیر سیره پیامبر(ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، پیشین، ص ۱۲۰.
- ۹- مهناز، شایسته‌فر، هنر شیعی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷.
- ۱۰- مهدی، حسینی، قصص‌الانبیاء به روایت تصویر، فصلنامه خیال، شماره ۱۳، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، صص ۱۱۵-۱۱۴.
- ۱۱- محمدتقی، ملبویی، روش‌شناسی قصه در قرآن، پیشین، ص ۲۴.
- ۱۲- محمدتقی، ملبویی، روش‌شناسی قصه در قرآن، پیشین، ص ۲۵.
- ۱۳- مهدی، حسینی، قصص‌الانبیاء به روایت تصویر، پیشین، ص ۱۱۶.
- ۱۴- همان، ص ۱۱۵.

کتاب ادبی قصص الانبیا در مسیر ادبیات اسلامی

کتاب قصص الانبیا به اثری اسلامی گفته می شود که داستان ها و وقایع نقل شده در قرآن، به دو زبان عربی و فارسی در آن اشاره شده است. نخستین نسخه، مربوط به سده ی هفتم / اول یا هشتم / دوم است. از نظر سبک نگارش کتاب قصص الانبیا، بیان سنت شفاهی از قوصاص^{۱۵} تا دیدگاه نظریه پردازان علمای را به تصویر می کشد. برخی از مفسران قرآن نیز، عناصر ادبیات مذهبی و تاریخ نگاری را با هم مورد استفاده قرار داده اند.

از نویسندگانی که در سده ی یازدهم / پنجم توانسته اثری ارزنده به نثر فارسی پدید آورد «اسحاق بن منصور بن خلف نیشابوری» یا نیشابوری است که کتابی با نام قصص الانبیا دارد. در این کتاب یکی از معروف ترین آثار در زمینه داستان پیامبران شکل گرفته است. منبع فوق شامل قسمت های روایی و بیانی قرآن و مبنی بر حکایات کهن و باستانی است که منقول از روایت «کلبی» از «ابن عباس» در ذکر قصص قرآن است.

در نسخ متعدد قصص الانبیا جهت تصویر آرای داستان ها و روایت پیامبران، از متن نیشابوری استفاده شده که این مسئله نشان از اهمیت این نمونه ادبی در میان دیگر آثار زبان و ادب پارسی، به خصوص با مضمون داستان پیامبران دارد.

به غیر از نیشابوری، الکسایی و جویری نیز آثاری در زمینه قصص قرآن تألیف کرده اند.^{۱۶}

نسخه های موجود قصص الانبیا

در فاصله زمانی پنج سده از نوشتن قصص الانبیا نیشابوری، جویری و دیدوزمی تا دوران صفویه، نسخ دیگری از این متون و تک نگاره هایی به طور پراکنده تصویرسازی شده اند. یکی از این نسخ ایرانی، متعلق به دوره تیموری است که متن آن توسط جویری نوشته شده و شخصی به نام محمد بن علی بن محمد آن را در اول محرم ۸۲۸/۱۴۲۴ کتابت نمود.

۲۱- نسخه مصور قصص الانبیا تا کنون شناسایی شده البته تقریباً هیچ نسخه قصص الانبیا مصوری از سده ی یازدهم / نهم و یا شانزدهم / دهم وجود ندارد که خارج از این ۲۱ نسخه معرفی شده باشد.^{۱۷} این امکان وجود دارد که در زمان شاه تهماسب، تعدادی نسخه ی قصص الانبیا، تصویرسازی شده باشند، ولی در حال حاضر در دسترس ما نیستند.^{۱۸} مورد ۲۱ مورد کتب مصور قصص الانبیا به وسیله اسحاق بن منصور بن خلف نیشابوری نوشته شده است. این نسخ به طور کلی ویژگی های

۱۵- قوصاص قصه گوینی بودند که پس از مرگ حضرت رسول در خدمت جامعه اسلامی. به روشی نیمه رسمی قرار گرفتند و زمانی که تشکلهای اسلامی شکل گرفتند، آن ها پیام دین جدید را با گفتن داستان های قرآن و تفاسیری بر اساس حدیث، انتقال می دادند. از طرف دیگر، نظریه پردازان اسلامی به قرآن وفاداری فراوان داشتند و زمانی که پاسخ کافی برای سؤالی از خود قرآن نمی یافتند به سنت های شفاهی روی می آوردند و گوش به تفاسیر قرآن می دادند و برای هر تفسیری یا هر گونه «اصلاعاتی» لیستی از افرادی را که ابتدا آن را از حضرت رسول پرسیده بودند تهیه می کردند و متن را ادامه می دادند.

Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, pp.10-1.

۱۶- قصص الانبیا الکسایی به زبان عربی نگاشته شده و توسط محمد بن حسن دیدوزمی به فارسی ترجمه شده است که ترجمه آن معروف به «نغایس العرایس و قصص الانبیا» است. همچنین «شیخ محمد جویری» اثری به نام «قصص الانبیا و سیر الملوک» دارد که موضوع آن داستان پیامبران است و این کتاب نیز به عربی نگاشته شده است و در حدود سده ی سیزدهم / هفتم به فارسی ترجمه شده است. (مژده کاظم، نقد منتخبی از نگاره های قصص الانبیا، پایان نامه ارشد صنایع دستی، استاد راهنما مهدی حسینی دانشگاه هنر، ۱۳۸۴، صص ۱۲۴-۱۲۳).

۱۷- ۱- نسخه ی برلین، مجموعه ی دایز، محفوظ در کتابخانه ی ملی آلمان، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۲۱ تصویر، متعلق به ۱۵۷۷-۹۸۴. ۲- نسخه ی دانشگاه کلمبیا، نیویورک، نویسنده ی متن: جویری، دارای ۳۰ تصویر، متعلق به ۱۵۷۴/۹۸۲. ۳- نسخه ی دابلین، ایرلند، کتابخانه ی چیتربیتی، نویسنده ی متن: نیشابوری. ۴- نسخه ی هاروارد، موزه ی هنر دانشگاه هاروارد، دارای ۱۰ تصویر؛ ۵- نسخه ی استانبول، محفوظ در کتابخانه ی بایزید، نویسنده ی متن: دیدوزمی، دارای ۳۹ تصویر؛ ۶- نسخه ی استانبول، کتابخانه ی سلیمانیه، ترکیه، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۲۷ تصویر؛ ۷- مجموعه ی کر، لندن، انگلستان، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۵۵ تصویر؛ ۸- نسخه ی لندن، کتابخانه ی بریتانیا، انگلستان، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۱۳ تصویر؛ ۹- نسخه ی نیویورک، مجموعه ی اسپنسر، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۱۸ تصویر. متعلق به ۱۵۷۶/۹۸۴. ۱۰- نسخه نیویورک، مجموعه ی اسپنسر، دارای ۲۷ تصویر، نسخه ی بی تاریخ؛ ۱۱- نسخه ی پاریس، کتابخانه ملی پاریس، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۱۶ تصویر و متعلق به ۱۵۸۱/۹۸۹. ۱۲- نسخه ی پاریس، کتابخانه ی ملی پاریس، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۲۰ تصویر، نسخه ی بی تاریخ؛ ۱۳- نسخه ی صوفیا، کتابخانه ی ملی صوفیه، بلغارستان، نویسنده ی متن: جویری، دارای ۱۸ تصویر، متعلق به ۱۵۷۵/۹۸۳. ۱۴- نسخه ی اول، موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۲۱ تصویر؛ ۱۵- نسخه ی دوم، موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، نویسنده ی متن: دیدوزمی، دارای ۲۲ تصویر، متعلق به ۱۵۷۵/۹۸۳. ۱۶- نسخه ی سوم، موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۱۴ تصویر، متعلق به ۱۵۷۹/۹۸۷. ۱۷- نسخه ی چهارم، موزه ی توپ قاپی سرای استانبول، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۲۸ تصویر؛ ۱۸- نسخه ی پنجم، موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۱۶ تصویر؛ ۱۹- نسخه ی موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۳۴ تصویر؛ ۲۰- نسخه ی هفتم، موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، ترکیه، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۳۰ تصویر، متعلق به ۱۵۷۵/۹۸۳ یا ۱۵۷۴/۹۸۲. ۲۱- نسخه هشتم، موزه ی توپ قاپی سرای، استانبول، نویسنده ی متن: نیشابوری، دارای ۲۹ تصویر.

۱۸- مژده، کاظم، نقد منتخبی از نگاره های قصص الانبیا، پیشین، صص ۱۳۳.

مشترک خاصی را دارا هستند.^{۱۱}

در خصوص نسخه‌های مختلف قصص الانبیا نکاتی حائز اهمیت است. اولین و آخرین نسخه‌های تاریخ‌دار قصص الانبیا در فاصله ۸ سال ۱۵۸۱-۹۸۸/۱۵۷۴-۹۸۱، تهیه شده است. بنابراین می‌توان فرض کرد هسته اصلی نسخه‌ها در آغاز دهه ی ۹۷۸/۱۵۷۰ و میانه دهه ی ۹۸۸/۱۵۸۰ تهیه شده‌اند. به استثنای نسخه دوم محفوظ در کتابخانه‌ی پاریس که در پهنه گسترده تاریخی و جغرافیایی تهیه شده است. بخش اصلی این نسخه‌های تاریخ‌دار، نتیجه مشارکت کار گروهی نقاشان بوده است. این هنرمندان شیوه و سبک‌های مختلفی را استفاده می‌کردند که ماحصل آن بنیان ترکیب‌های متنوع در گروه نسخه‌های اصلی است.^{۱۲} البته همه نسخه‌های تاریخ‌دار قصص الانبیا شامل نسخه محفوظ در کتابخانه ملی برلین، نسخه دانشگاه کلمبیا، نسخه اول موجود در کتابخانه ملی نیویورک، نسخه‌های دوم و هفتم موزه توپ قاپی سرای استانبول و برخی از نگاره‌های ذخیره‌شده در نسخه اول کتابخانه پاریس و نسخه محفوظ در کتابخانه صوفیا، وابسته به گروه اصلی هستند و دیگر نسخه‌ها بعدها اضافه شده‌اند. در نسخه‌هایی که دارای چندین سبک و شیوه اجرایی هستند و نگاره‌ها دارای کیفیت‌ها و پرداخت‌هایی متفاوت می‌باشند.^{۱۳} می‌توان احتمال داد که نسخه توسط چند نگارگر، شاید یک استاد و شاگردش کار شده است.

قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری

کتاب «عرانس المجالس» یا «قصص الانبیا» اثر قرآن پژوهی ابی اسحاق احمد بن محمد بن النیشابوری معروف به «ثعلبی» به سال ۴۲۷/۱۰۳۵ است.

ابن خلکان^{۱۴} متذکر شده که وی در علم تفسیر یگانه روزگار بود و تفسیر بزرگی نوشته است که از همه تفاسیر هم روزگارانش برتر است. وی کتاب قصص الانبیا را که مستمل بر ۴۵۲ صفحه بوده، با آیه شریفه «كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ»^{۱۵} آغاز کرده و نوشته است که حکما ۵ حکمت را برای قصص قرآن نقل کرده‌اند.^{۱۶}

۱۹- اکثر این نسخ، در کتابخانه‌های درباری یا مراکز بزرگ هنری تحریر و تصویر شده و نوع خط و کاغذ و صحافی استفاده شده در آن‌ها کیفیت نسخه‌های درباری را ندارند. ولی رنگ آمیزی و فضا سازی‌شان چنان است که بلافاصله ذهن و خیال ناظر را متوجه خود می‌سازد. ۲- به لحاظ ویژگی‌های مذکور، در مجموعه‌های خصوصی و دولتی متعدد در سراسر دنیا پراکنده‌اند. ۳- هر صفحه از نسخ بین ۱۵ تا ۱۷ سطر مکتوب دارد. به غیر از دو نسخه که صفحات یکی ۱۴ و دیگری ۲۱ سطر دارد ۴- همه‌ی نسخه‌ها دو شمشه و دو دیباچه‌ی مذهب دارند. ۵- تقریباً همه‌ی قصص بدون تذهیب است و اغلب مجالس بر روی کاغذ منقش گل‌دار، با خط رنگین، جدول کشی شده است. ۶- همه‌ی نسخه‌ها به فارسی و صحافی آن‌ها به شیوه‌ی صفوی است. ۷- نگاره‌ها ایرانی است، ولی نسبت دادن آن‌ها به مکتب مشخصی از مکاتب نگارگری ایران بسیار مشکل است. می‌توان گفت که نگارگران ظریف و زیرک و بی‌نام این قصص، از همه مواد مکاتب نگارگری ایران بهره گرفته و آثارشان را رقم زده‌اند. ۸- این احتمال وجود دارد که این قصص را نگارگران بومی- به ویژه در مکان‌هایی که در آن‌ها زیارت‌گاه وجود داشته و شیعیان برای زیارت به آن مکان‌ها مسافرت می‌کرده‌اند- مصور کرده باشند. (مهدی، حسینی، قصص الانبیا به روایت تصویر، پیشین، صص ۱۱۸-۱۱۷).

20-Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, p. 42.

21-Ibid, p.42

۲۲- ابوالعباس شمس الدین احمد بن شهاب^{۱۷} محمد بن ابراهیم بن ابی بکر بن خلکان، قاضی، مورخ و ادیب مشهور شافعی مذهب که در سده ی سیزدهم/هفتم می زیسته است و اصلاً از بلخ برخاسته و نسلش به خالد بن برمک می رسد و کتاب معروف او (وقیات الاعیان و انباء ابناء الزمان) شرح احوال جمع عظیمی از دانشمندان علوم مختلف و امیران و وزران که او طی چند سال آن را تألیف کرده است. برگرفته از دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله شماره ۱۱۶۸، ۸۶/۱۲/۲۷، ساعت: ۹:۰۰

www.cgie.org.ir

۲۳- سوره طه، آیه ۹۹: ای پیامبر، ما این گونه از اخبار گذشته بر تو حکایت می کنیم و همانا ما از جانب خویش به تو ذکر (قرآن) داده ایم، پایگاه تفسیر نور، ۸۶/۱۲/۲۷، ساعت: ۹:۲۰

www.garaati.net/tafsir

۲۴- ۱- قصص قرآن دلیل بر رسالت پیامبر اکرم (ص) است، زیرا رسول اکرم (ص) امی بود و معلمی نداشت و از وطن خود نیز مدت‌ها فاصله نگرفته بود؛ که در این مدت به عالمی رجوع کند و از او علم اخبار را یاد بگیرد. بنابراین تنها جبرئیل بر او نازل شد و آن‌ها را به او تلقین کرد. حضرت رسول (ص) نیز آن‌ها را گرفته و مردم را به اخبار گذشتگان و سده‌های گذشته و سید انبیاء و ملوک متقدم آگاه ساخته است. ۲- علت بیان قصه‌ها توسط خداوند بر پیامبر این بوده است که این قصه‌ها برای او اسود و نشانه‌ای از مکارم اخلاق رسل و انبیاء متقدم و اولیاء صالح گذشته باشد. در آنچه که خداوند از آن‌ها خبر داده و ستایش کرده است و نهی می‌کند امتش را از اموری که اعم انبیاء به خاطر مخالفت با آن مورد عقوبت واقع شدند و از طرف خدا مستوجب آن عذاب و عقاب. ۳- برخی دیگر حکمت بیان قصص بر پیامبر (ص) را تثبیت پیامبر و اعلام شرف و عوامیت او نسبت به امت‌های قبلی بوده است و این بدان علت است که پیامبر هنگامی که به اخبار و احوال امم قبلی می‌نگرد درمی‌یابد که او و امتش از بسیاری از آن چیزهایی که به وسیله آن‌ها خداوند انبیاء و اولیاء را بدان‌ها آزموده است معاف هستند و در شریعت به آن‌ها تخفیف داده شده است. بنابراین پس از بیان این قصص، بر پیامبر (ص) از طرف خداوند، پیامبر فضل خود و امتش را دید و دانست خدا او و امتش را به کراماتی مخصوص گردانیده است که هیچ کدام از انبیاء و ائم داری چنین کراماتی نبوده‌اند. ۴- حکمت دیگر بیان قصص قرآن بر پیامبر (ص) تأدیب و تهذیب امتش بوده است و دلیل این مسئله آن است که خداوند انبیاء و پادشاه آن‌ها و دشمنان و عقاب آن‌ها را ذکر کرده است و در جزی دیگر آن‌ها را از دشمنان برحذر داشته و بر صلح اولیاء تشویق نموده است. برای مثال در سوره یوسف آیه ی ۷، آمده است: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَأَخُوهُ آيَاتٍ لِّلنَّاسِ لَئِنْ كَانُوا يَافِقُونَ». ۵- علت گفتن قصه و اخبار انبیاء و اولیاء گذشته، احیاء یاد آثار آن‌ها بوده است. (نگرشی بر قصص الانبیا ابی اسحاق ثعلبی، و قصص قرآن رسالت پیامبر اکرم (ص)، ماهنامه گلستان قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرداد ۱۳۸۰، شماره ۷۳، صص ۴۱-۴۰).

اثر نیشابوری^{۲۳} به تعقیب آثار پیشینیان او و اساساً اثر معاصر وی یعنی بلعمی است. او پس از ذکر زندگی جمعی از انبیاء از جمله حضرت شیث، یعقوب، موسی، عیسی (ع) به داستان زندگی حضرت محمد (ص) با ذکر جزئیات آن می پردازد و پس از بیان زندگی و بیان پیام حضرت محمد (ص)، راجع به خلفای راشدین می نویسد. تمامی نوشته های مصور نیشابوری به تبعیت از آثار قبل از سده ی چهارم/ هشتم در ارتباط با اعمال جنایت آمیز حاکم حجاج بن یوسف از خاندان بنی امیه در زمینه ی آزار و اذیت پیروان خاندان حضرت علی (ع) است.^{۲۴}

به طور کلی متن این گروه به زبانی عام نوشته شده، جملات کوتاه ترند و حاوی جزئیات بیشتری است. آنچه جالب است این است که برخی نوشته های نیشابوری حاوی داستان هایی برگرفته از متون مربوط به جویری و دیدوزمی است. در مورد سبک نوشتاری نیشابوری باید گفت که او در این شیوه گاهی از ادامه سبک پیشینانش در نوشتن قصص خودداری کرده و سبک شخصی خود را دنبال کرده است. الگوی معمولی ای که در اثر او دنبال شده این است که ابتدا به ترسیم شاخصه های اصلی داستان پرداخته و سپس اقدام به تشریح جزئیات کرده و بعد از موضوع اصلی، با طرح مجموعه ای از سوال ها و جواب ها که ریشه در مشکلات خداشناسی و مذهبی دارد، مسائلی را مطرح می کند. این شاخص در نوشته های او روشن کننده این مهم است که نیشابوری قصد نداشته تا مطالب غیرموتق را که منشاء آن ها به وعاظ و معلمین می رسد، مستقیماً در کار خود استفاده کند و در عوض به سخنان دانشمندان و علمای اسلامی و مذهبی بیشتر اهمیت داده است.^{۲۵}

از فلیکس تاور مستشرق معروف چکسلواکی^{۲۶} در رابطه با قصص الانبیاء نقل شده که قدیمی ترین کتاب فارسی از این نوع، تألیف ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری است. ۵۰ نسخه از این کتاب در کتابخانه های استانبول با انشاهای مختلف وجود دارد.

بررسی نگاره های پیامبران اولوالعزم در نسخه مصور قصص الانبیا نیشابوری

قصص الانبیا بیان کننده قصه های پیامبرانی است که از جانب خداوند مأمور به هدایت و راهنمایی انسان های زمان خود بودند. از ۱۲۴ هزار رسول فرستاده شده از سوی خداوند، نام تعدادی از آن ها در قرآن ذکر شده است و از میان این پیامبران ۵ تن منتخب، صاحب کتاب و شریعت الهی هستند که هر کدام بشارت دهنده رسولان بعد از خود بودند. حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص)، پنج پیامبر اولوالعزم خداوند هستند. ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، امروز پیروان بسیاری در سطح جهان دارند. همان طور که در قسمت های پیشین اشاره شد، داستان های قرآن روایت پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) می باشد و ذکر آن ها در قرآن، تأکید بر الهی بودن ادیان پیشین می باشد. نقل داستان پیامبران و اقوام آن ها همگی نشانه هایی است برای دریافت راه درست و صحیح در رسیدن به پروردگار و تأکید بر این موضوع، که خداوند از ابتدای خلقت انسان تا پایان جهان همواره با بندگانش همراه بوده و از میان آن ها منتخبانی را جهت هدایت و راهنمایی ایشان فرستاده است.

همچنین خداوند در قرآن سوره هود آیه ۱۲۰ می فرماید: «وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَتَّبِعُ بِهٖ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مُوعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» و نقل قصص موجب اطمینان قلب پیامبر و مؤمنین گردیده و آنان را قوی دل و در راه خود راسخ و سخت می سازد. بدین جهت در این بحث، به بررسی داستان های مهم مصور^{۲۷} رسولان صاحب شریعت - پیامبران اولوالعزم - از نسخ قصص الانبیا نیشابوری می پردازیم.

نگاره های منتخب از هشت نسخه ی مصور قصص الانبیا که بیشتر به آن ها اشاره شد انتخاب شده است.^{۲۸}

داستان حضرت نوح (ع) و پیروانش در کشتی

دو نگاره از دو نسخه خطی در این بخش مورد بررسی قرار می گیرند که داستان حضرت نوح (ع) را به تصویر کشیده اند. یکی نگاره ای است که حضرت نوح (ع) را در حال ساخت کشتی نشان می دهد. این نگاره مربوط به نسخه هفتم محفوظ در موزه توب قاپی استانبول^{۲۹} به تاریخ ۹۸۳/۱۵۷۵ در دوران شاه تهماسب صفوی مصور شده است. این نسخه دارای ۲۰۵ صفحه

-

۲۳- تمامی متون مصور شده در این کتاب با این نوشته شروع می شوند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُبْدِعِ الْمُنْتَبِغِ الْمُحِيدِ رَبِّ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ» پس از این مقدمه، تفسیر قصصی که در قرآن گفته شده، بر پایه ی روایاتی از ابن عباس است که به وسیله ی محمد بن سائب کلی استفاده شده است. در آغاز کتاب مسئله اسنادی است که هفت محدث میان مؤلف و محمد بن سائب الکلینی گنجانده شده و چون محمد بن سائب در ۱۴۶/۷۶۳ وفات یافته مؤلف نمی تواند متأخرتر از آخر سده دهم/ چهارم باشد. نام کاتب آن به همراه همه ی مراجع و آخرین آنان یعنی عبدالله ابن عباس که تفسیری بر آیه قرآن «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» دارد، آورده شده و سپس محتوای کتاب آغاز می شود. ماهنامه گلستان قرآن، پیشین، صص ۴۱-۴۰.

24-Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, optic, pp.10-11

25-Ibid, pp.10-11

26-Felix Tauer

۲۷- داستان هایی که در این بخش به آن ها پرداخته می شود به ترتیب شامل: ۱- داستان حضرت نوح (ع) و پیروانش در کشتی؛ ۲- داستان حضرت ابراهیم (ع) در آتش نمرود؛ ۳- داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع) توسط حضرت ابراهیم (ع)؛ ۴- داستان ساختن خانه کعبه به دست حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع)؛ ۵- داستان حضرت موسی (ع) و تبدیل عصای ایشان به اژدها در پیش جادوگران؛ ۶- داستان ولادت و سخن گفتن حضرت عیسی (ع)؛ ۷- داستان به دار کشیدن حضرت عیسی (ع)؛ ۸- داستان معراج پیامبر (ص)؛ ۹- داستان از جای در آوردن در قلعه توسط حضرت علی (ع) در جنگ خیبر؛ ۱۰- داستان آوردن سر بریده ابوالجهل به خدمت حضرت محمد (ص)؛ ۱۱- داستان پیامبران در بهشت.

۲۸- این نسخه ها شامل: ۱- نسخه های محفوظ در کتابخانه ملی پاریس؛ ۲- دو نسخه محفوظ در مجموعه اسپنسر در کتابخانه ملی نیویورک؛ ۳- نسخه محفوظ در کتابخانه ملی آلمان برلین؛ ۴- چهار نسخه محفوظ در موزه توب قاپی سرای استانبول.

29- Rachel Milston *Stories of the Prophets*, optic, p. 214.

۲۲×۳۳/۵ سانتی متر و ۳۰ تصویر است. جلد آن چرمی منقوش با آب طلاست. نوشته‌های متن به رنگ مشکی و خط نستعلیق است و سرلوحه‌های طلایی و قطعه‌های از آیات قرآنی دارد. رنگ‌های رایج و استفاده شده در آن، طلایی، نارنجی و سبز روشن است. دومین نگاره حضرت نوح (ع) و پیروانش را در کشتی در نسخه دوم کتابخانه ملی نیویورک نشان می‌دهد. این نسخه مربوط به مجموعه اسپنسر، دارای ۱۷۷ صفحه ۳۴/۷×۲۲/۵ سانتی متری و ۲۷ تصویر است کاغذ مورد استفاده آن به رنگ کرم و ضخیم است. نوشته‌های متن به خط نستعلیق و به رنگ سیاه و عبارات منتخب قرآنی به خط نسخ و طلایی رنگ و رنگ‌های مورد استفاده آبی، قرمز و سبز، نارنجی، مشکی است.

از پیغمبران بزرگوار که در راه ترویج مرام خداپرستی، رنج فراوانی کشید و آزار و اذیت بسیاری از جانب مردم متحمل شد، نوح پیامبر بود. شاید یکی از علل شرایط پیش آمده آن بود که مرام بت پرستی، تازه در میان مردم رواج یافته و آن دامی بود که شیطان بر سر راه بندگان خدا گسترده بود.^{۳۰} در کتاب قصص الانبیاء نیشابوری به تفصیل داستان حضرت نوح (ع) نقل شده است.^{۳۱} در این نگاره (تصویر ۱) بخشی از داستان در بالا و پایین تصویر به خط نستعلیق و به رنگ سیاه نوشته شده است. بخشی از سوره هود آیه ۳۸ به خط نسخ و به رنگ طلایی در ادامه آن نقل شده است. مضمون آیه در تصویر به خوبی نشان داده شده که حضرت نوح (ع) به کمک و راهنمایی جبرئیل و پیروانش، مشغول ساخت کشتی است.

دور نگاره کادری به رنگ‌های آبی، طلایی، قرمز، سبز دیده می‌شود. درون کادر در قسمت بالای سمت راست، حضرت نوح (ع) با هاله‌ای نورانی نشسته و بالای سر ایشان جبرئیل با بال‌هایی گشاده در آسمان دیده می‌شود. در قسمت پایین تصویر پیروان حضرت نوح (ع) مشغول ساخت کشتی هستند. دو مرد که با بار کشتی چوب مورد نیاز را حمل می‌کنند در خارج کادر، به تصویر درآمده‌اند.

در قسمت بالا سمت چپ، گروهی تصویر شده‌اند که گویا در حال نظاره کردن کار حضرت نوح (ع) هستند. به احتمال قوی اینان مردمانی هستند که رسول خدا را به جهت ساخت کشتی در منطقه‌ای به دور از آب، مورد تمسخر قرار می‌دادند. در این نگاره حضرت نوح (ع) در مقابل جبرئیل قرار گرفته و نگاه ایشان به سمت جلو است. این نوع حالت ایستادن را از سه زاویه‌ی دید می‌توان تفسیر کرد: یکی آن که حضرت نوح (ع) گوش به فرمان الهی و راهنمایی جبرئیل فرشته مقرب خدا است تا امر خداوند را اجرا نماید، دوم بر کار پیروان و یارانش که در مقابل او در حال ساخت کشتی هستند نظارت دارد و سوم این که در مقابله با افرادی است که او و پیروانش را مورد تمسخر قرار داده‌اند. آن‌ها را به وعده‌ی عذاب الهی خیر می‌دهد، عبارت قرآنی در پایین صفحه گویای این مطلب است.

در قصه‌های قرآنی سه عامل برجسته، شخصیت، رویداد، گفتگو نقش اساسی دارند. در این نگاره هر سه این عوامل نقش دارند. شخصیت حضرت نوح (ع) در جایگاه یکی از پیامبران صاحب شریعت و کتاب، نقل ساخت کشتی، از مهمترین وقایع زندگی حضرت نوح (ع) و گفتگو آن حضرت با قوم خویش جهت هدایت آن‌ها.

در این نگاره جبرئیل فرشته مقرب الهی با جامه‌ای به رنگ قرمز و منقش، تاجی بر سر و بال‌های گشاده، که تمامی آسمان آبی را پوشانده، بالای سر تمامی افراد به تصویر کشیده شده است؛ گویی آسمان و زمین زیر پوشش وحی الهی است. حضرت نوح (ع) با جامه‌ای به رنگ سبز و منقوش و امامه‌ای سفید با محاسن تصویر شده است.

این نگاره‌ها را نمی‌توان به مکتب خاصی نسبت داد چرا که شیوه اجرای آن‌ها به جهت استفاده از مضامین و داستان‌های قرآنی، با دیگر کتب مصور در این دوران تا حدی متفاوت است. همچنین محققان و پژوهشگران با تحلیل و بررسی نسخه‌های مختلف قصص الانبیاء، تعدادی از آن‌ها را به امپراطوری عثمانی که در آن زمان در همسایگی حکومت صفویان بودند نسبت داده‌اند و این مسئله را دور از ذهن ندانسته‌اند که سبک‌های ایرانی در توسعه ادبی خارج مرزهای ایران در میانه سده‌ی شانزدهم / دهم مؤثر بوده و نسخه مورد بحث نیز در این گروه جای می‌گیرد.^{۳۲}

۳۰- نام بت‌های آن‌ها هود، سواع، یفوث، یعوق، نسر، بود که خدای تعالی نامشان را در قرآن آورده است. (سیدهاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، انتشارات علمیه اسلامی، جلد اول، محل نشر: تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۱).

۳۱- قوم او بت پرست بودند. گفتند ما از خدایان خویش دست باز نداریم و خدایان خویش را می‌بینیم. چندان که نوح بند داد نپذیرفتند. گفت بارخدا یا یک کافر بر روی زمین مگذار که اگر بگذاری همه بندگان تو را بی‌راه کنند و آن که از پس ایشان زاینده نباشد مگر کافر. آن گاه حق تعالی دعای وی مستجاب کرد، و بفرمود تا کشتی کند: *وَاصْنَعِ الْفُلْکَ بَاعِثْنَا* (سوره هود، آیه ۳۷). گفت کشتی کن به امر ما و به یاری ما که وعده‌ی عذاب کافران نزدیک آمد. نوح ندانست که کشتی چگونه کند. جبرئیل بیامد و پیام‌بخش که چوب گرد کرد و می‌ساخت شش ماه تا راست گشت و تمام شد. و آن وقت که کشتی می‌ساخت کافران بر وی می‌گذشتند. و می‌گفتندی: این چیست. قوله تعالی: *وَ كَلَّمَا مَرْغَلِبَهُ مَلَاةٌ مِّنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ* (سوره هود، آیه ۲۸) چنان که شما امروز افسوس می‌کنید فردا که عذاب خدای تعالی بیاید ما نیز بر شما افسوس کنیم، و زود بود که بدانید. (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیاء، به اهتمام جیب یغمایی، تهران، انتشارات علمی، فرهنگی و هنری، بهار ۱۳۸۶، صص ۳۶-۳۴).

۳۲- *إِن نَّسَخُوا مِنَّا فَنَّا نَسَخْ مِنْكُمْ كَمَا نَسَخُونَ* به آن‌ها می‌گفت اگر امروز شما ما را مسخره می‌کنید ما هم روزی شما را باسخی بدهیم که بعد از این بدانید. برگرفته از پایگاه www.qaraati.net/tafsir ساعت ۱۰:۰۰ ۸۶-۱۲/۸



تصویر ۱: نوح (ع) در حال ساختن کشتی، نسخه‌ی هفتم موزه‌ی توب قاپی سرای استانبول.



تصویر ۲: نوح (ع) و پیروانش در کشتی، نسخه‌ی دوم کتابخانه ملی نیویورک.

نگاره دوم (تصویر ۲) حضرت نوح (ع)، پیروان و خاندانش را سوار بر کشتی نشان می‌دهد. داستان کشتی نوح (ع) در کتاب قصص الانبیا نیشابوری نقل شده است.^{۳۳}

۳۴- آن‌گاه ملک تعالی نوح را علامتی بکرد عذاب راه، که چه وقت بود. گفت چون از تنور آب برآید بدان که وقت عذاب آمد. قوله تعالی: وفار التنور. پس نوح علیه السلام نگاه می‌داشت آن علامت را. روزی نماز دیگر آب از تنور برآمد و روی بیرون نهاد بکوفه. نوح آهنگ کشتی کرد، اهل را و قوم را آگاه کرد؛ و از هر چیزی که درین جهان بود جفت جفت گرد کرده بود، چنان که حق تعالی فرموده بود: قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ سوره‌ی هود، آیه‌ی ۴۰. آن‌گاه از آسمان طوفان بیامد باران سخت، و از زمین آب برآمد، هژده شبانه‌روز. تا آن‌گاه که حق تعالی گفت: قِيلَ يَا اَرَضُ اِئْتِئِيْ مَاءَ كَ وَبَا سَمَاءِ اَفْلَحِيْ، وَغِيْضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْاَمْرُ سوره‌ی هود، آیه‌ی ۴۴. گفت زمین را نوفر و گیر آب خویش را، و یا آسمان باز گیر آب خویش را، و هم آن‌جا که بودید باز شوید هر دو آب. کشتی نوح بر جودی راست بیستاد. بخیر چنین آمده است که آب گرفته بود از مشرق تا مغرب. هر کوهی که درین جهان بلندتر از آن نبود چهل ارش آب از او در گذشته بود و همه خلق هلاک شدند و نوح در کشتی آمده بود باقومش هفتاد تن، و اهل وی و دختران او و پسران و دامادان، دوازده تن بودند. و نوح را چهار پسر بود در آن وقت و چهار دختر، همه مؤمن مگر پسری که نامش کنعان بود. چون وقت عذاب آمد نوح گفت: یا پسر من در کشتی نشین باش و با کافران مباش. قوله تعالی: يَا بُنَيَّ اِزْكِبْ مُعْتَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكٰفِرِيْنَ سوره‌ی هود، آیه‌ی ۴۲. پسرش گفت من ترا نخواهم و نه دین ترا. نوح گفت یا پسر هلاک شوی بعذاب خدای تعالی. گفت چه عذاب است؟ نوح گفت. عذاب نمی‌بینی! پسرش گفت بر سر کوه روم تا آب از من باز دارد. قوله تعالی: قَالَ سَاوِيْ اِلٰى جَبَلٍ يَفْعَسُنِيْ مِنَ الْمَاءِ، سوره‌ی هود، آیه‌ی ۴۳. نوح گفت بازدارنده نبود چیزی از عذاب خدای، و عذاب خدای آنرا نیابد که وی را رحم بود. آن‌گاه موج برآمد و پسر را از نوح جدا کرد و آب کشتی را برداشت، و کنعان بماند، بدوید و بر سر کوه رفت، و در ساعت غرقه شد با همه کافران. و آب همچنان می‌بود و کشتی نوح را باد بر سر آب همی بردی. نوح گفت از بار خدایا من می‌ترسم از غرق. جبرئیل آمد و گفت یا نوح نام من بر کشتی نویس تا ایمن گردی. گفت چه نویسم؟ گفت بنویس: بِسْمِ اللّٰهِ نَجْرًا هَا وَ مَرْسَا هَا سوره‌ی هود، آیه‌ی ۴۱. به نام خدای رفتن کشتی و باز ایستادن. (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا به اهتمام حبیب یغمایی، پیشین، صص ۳۷-۳۶).

در این تصویر حضرت نوح (ع) در میانه تصویر با هاله‌ای نورانی و عمامه‌ای سفید در کنار پیروان و اهل بیتش نشسته است. آب همه جا را فرا گرفته است. در دو طبقه پایین کشتی حیوانات به صورت جفت جفت قرار دارند و دو فرد نیز در دو سوی کشتی به وسیله پارو کشتی را هدایت می‌کنند. در این تصویر همچون نگاره‌ی قبلی بخشی از داستان به خط نستعلیق و به رنگ مشکی در بالا و پایین کادر نوشته شده است. در پشت سر افراد، بیرقی به رنگ سفید است که یک بیت شعر به خط نسخ به دو رنگ آبی و قرمز دارد مضمون آن این چنین است:

جد عمر دیوار است را که آرد چون تو پشتیبان
چه باک از موج بحر آن‌ها را که باشد نوح کشتیبان
و اشاره دارد به مقام والای حضرت نوح (ع) به عنوان راهنما و پشتیبان امتش، که راه راست و ثواب را بر گزیده است. در پایین صحنه، ابنه و ساختمان‌هایی نشان داده شده که تماماً در حال رفتن به زیر آب هستند و افرادی که سعی دارند تا خود را از عذاب الهی برهانند؛ احتمالاً یکی از آن‌ها، پسر حضرت نوح (ع) است که از راه حق دوری گزید.
در این تصویر حضرت نوح (ع) در حال صحبت با پیروان و اصحابش، در کشتی حضور دارد. از آن جایی که حضرت نوح (ع) پدر دوم نسل بشر لقب گرفته، بازماندگان این واقعه هر کدام سرمنشاء نسل قومی بر روی زمین هستند، تصویر و موضوع آن اهمیت بیشتری می‌یابد.^{۳۵}

داستان حضرت ابراهیم (ع) در آتش نمرود

ابراهیم خلیل (ع) از پیغمبران بزرگواری است که خدای تعالی بیش از سایر انبیاء، او را به عظمت یاد کرده و اوصاف حمیده و خصال پسندیده او را در قرآن ذکر فرموده و به منصب‌هایی چون امامت و پیشوایی مردمان و برگزیدگی و شایستگی هر دو جهان و مقام قرب و دوستی خود مفتخر داشته است. از جمله الطاف خداوند به ایشان یکی این که او را پیامبر اولوالعزم خویش قرار داده و نبوت را در ذریه و نسل او گذارده و علم و حکمت و کتاب و شریعت به وی داده، ملک و هدایت خود را به او عنایت کرد و درود و سلام مخصوص خود را بر او فرستاده، خود و خاندانش را مشمول رحمت و برکات خویش ساخته و در آخر او را به تنهایی، امت واحد نامیده است.^{۳۶}

نگاره مورد بحث این داستان، مربوط به نسخه مصور محفوظ در مجموعه کتابخانه برلین است. این نسخه فارسی متعلق به دوران صفویه، شامل ۲۴۶ صفحه و ۲۱ نگاره از داستان‌های پیامبران، با اندازه صفحات ۲۹/۵×۱۷ سانتی متر است. آیات قرآنی به خط نسخ و به رنگ قرمز نوشته شده و همه صفحه‌ها با جدول‌های طلایی یا رنگی آرایش یافته‌اند. ۲۱ نگاره نسخه همراه با تزیینات بسیار نفیس ابتدای کتاب، از قبیل گل‌های آرایشی ستاره‌ای شکل بزرگ، با آیات قرآنی در قالب‌های پهن طلایی یا آبی آسمانی. این نسخه را به صورت شاهکاری کم‌نظیر در آورده است. جلد آن از چرم سیاه و به صورت طلاکوبی می‌باشد و داخل جلد یا چرم قهوه‌ای کم‌رنگ پوشیده شده است. تاریخ این نسخه ۹۸۴/۱۵۷۷ مطابق با دوران حکومت شاه اسماعیل دوم است. این داستان در کتاب قصص الانبیاء نیشابوری به تفصیل نقل شده است.^{۳۷}

در این نگاره (تصویر ۳) حضرت ابراهیم با هاله‌ای نورانی بر دور سر، بر روی تختی نشسته و در مقابل ایشان جبرئیل با بال‌های زیبا به تصویر در آمده است. گل و بوته‌های فراوان در اطراف هر دو پیکره قابل مشاهده است. در سمت راست تصویر و در مقابل برجی بلند، منجیقی تصویر شده است. در بالا و کناره‌ی راست تصویر، افرادی نظاره‌گر آتش و ماجرای در حال اتفاق می‌دهد. در بالای برج بلند، سمت راست، دو فرد به تصویر در آمده، یکی از آن‌ها تاجی بر سر دارد که به احتمال زیاد، نمرود پادشاه

۳۵- نسخه‌ای دیگر از قصص الانبیاء هم‌اکنون در کتابخانه نیویورک نگهداری می‌شود که سبک و سیاق نگارگری عثمانی را در بر دارد. تأثیر هنر نگارگری ایرانی آن زمان بر این

نسخه کاملاً مشهود است. Rachel Milston Stores of the Prophets, optic, p. 42

۳۶- سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، پیشین، صص ۱۰۳-۱۰۲.

۳۷- باخبار آمده است که نمرود، منادی فرمود که بروید و هیزم آرد سوختن ابراهیم را که او را عذاب (سوره‌ی الانبیاء، آیه‌ی ۶۸) آتش خواهم کردن که او خدایان شما را پاره کرده است و گویند آتش افروختن بدان بود که [ابراهیم، نمرود را گفته بود که عذاب خدای من با آتش است.] نمرود گفت من نیز ترا با آتش عذاب کنم یا که بود که نصرت کند ترا؟ آن‌گاه برفتند و هیزم بیاوردند و بر یکدیگر نهادند و نغز در زدند. و چنین گویند که چهار ماه هیزم گرد می‌کردند و ابراهیم را باز داشته بودند. آن‌گاه از زندان بیرون آوردند تا با آتش افکنند نتوانستند نزدیک آتش شدن از تیش. که سه فرسنگ تیش آتش می‌رفت. درمنازدهند. ایس بیامد به دشمنی آمد و منجیق ایشان را بیاوراند. منجیق بساختند و سرش بر زانو بستند و در آن منجیق نهادند و بینداختند. چون بمیان آتش بیارمید. ملک تعالی آتش را بر وی سرد گردانید. قوله تعالی: یا ناز کونی بڑدا و سلاما علی ابراهیم. (سوره‌ی الانبیاء، آیه‌ی ۶۹) ای آتش سرد باش بر ابراهیم، سر با سلامت باش. و اگر چنان گفتی ابراهیم از سردی طاقت نداشتی. پس در میان آتش تختی پیدا آمد تا ابراهیم بر آن‌جا بنشست. حوض آب پیش او پدید آمد و نرگس و ریاحین گرد بر گرد تخت او برست و خله‌ی بهشت بیاوردند تا بپوشید و هیچ کس آن‌جا نتوانست رفتن تا سه روز. نمرود مرندیمان را گفت که حال ابراهیم به چه صورت رسید؟ چه می‌ترسم که او زنده بماند. ندیمان گفتند که اگر او را کوهی بودی نیست شده بودی در آن آتش که ما دیدیم. نمرود گفت من می‌خواهم تا او را ببینم تا ایمن باشم. پس جایی ساختند بلند، چون مظهره‌ای از مس بر کوهی. نمرود بر آن‌جا بر آمد و بنگرست و در میان آن آتش، ابراهیم را دید بر تختی نشسته بر کرانه‌ی جوی، و نرگس گرد بر گرد حوض، رسته و حله پوشیده. سرود گفت یا ابراهیم این از کجا آوردی و این آتش ترا چرا سوخت؟ ابراهیم گفت خدای تعالی مرا نگاه داشت و این همه فضل، او کرد. گفت، نعم الّٰه ربّٰ زبک. نیک خدایت خدای تو. گر من بگروم مرا بپذیرد؟ ابراهیم گفت پذیرد. و مملکت ترا زیادت کند و عمر ترا دراز کند. نمرود گفت چون بیرون آیی من به خداوند تو بگروم، و ترا عزیز درم که جین خدای که تراست سزاست که خدمتش کند. پس ابراهیم بیرون آمد از میان آتش به سلامت. و آن تخت و حوض آب ناپدید شد به جای خویش رفتند به بهشت. ای سحر نیشابوری. قصص الانبیاء، به اهتمام حبیب بغمایی، پیشین، صص ۵۳-۵۱.

بابل است. حالت چهره او نیز احساس تعجب و حیرت را منتقل می کند. که از بالای برج مرتفع. واقعه را نظاره می کند. همچون نگاره های قبل، پیکره ها در این تصویر، با کلاه، عمامه و پوشش ویژه ای اوایل حکومت صفویه، به تصویر درآمده اند. تاریخ نگارش این نسخه مطابق با دوران کوتاه حکومت شاه اسماعیل دوم صفوی (۱۵۷۷-۱۵۷۶/۹۸۵-۹۸۴) است.^{۳۸} این نسخه یکی از شاهکارهای کم نظیر نگارگری صفویه است که با کاربرد دو شیوه کاملاً مجزا به مکتب شیراز و اواخر سده شانزدهم / دهم نسبت داده می شود.

داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع)

قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع) به راستی امتحانی عجیب و آزمایشی بس دشوار و مشکل بود، آن هم برای مردی چون ابراهیم (ع) که پس از سال ها تنهایی و بی فرزندی (ع) اکنون که خدا فرزندی به او داده و با گذشت چند سال، به تدریج به صورت فرزندی برومند درآمده و چشم و چراغ زندگی ابراهیم (ع) گردیده، در چنین وقتی مأمور می شود او را به دست خود ذبح کند و پیش روی خود در خاک و خوش بیند. اما ابراهیم (ع) که دل و جانش لیریز از عشق خدا است و هر چه می خواهد برای خدا می خواهد کوچکترین تزلزل و تردیدی به دل راه نداده و در صدد انجام فرمان الهی برمی آید.^{۳۹} داستان ذبح حضرت اسماعیل (ع) در قصص الانبیا نیشابوری به تفصیل نقل شده است.^{۴۰}

این نگاره مربوط به نسخه دوم کتابخانه ملی پاریس و بدون تاریخ است. اوراق این نسخه دارای کاغذهایی ضخیم و تریب شده با طلا و عبارات قرآنی و سرلوح ها به رنگ قرمز است. این نسخه کامل نیست. در این نگاره (تصویر ۴) حضرت ابراهیم (ع) با عمامه ای سفید و پوششی سبزرنگ و هاله ای نورانی، همچون دیگر نگاره ها در حالی که خنجری در دست راست خود دارد و سر اسماعیل را که بر روی زمین نشسته، در دست دیگر دارد، با نگاهی رو به آسمان و جبرئیل ترسیم شده است. در مقابل او جبرئیل با بال های گشاده گوسفندی - فدا - را برای قربانی کردن به حضرت ابراهیم (ع) نشان می دهد. رنگ کاغذ نازنجی است. حالات چهره و حرکت افراد در این نگاره بسیار جالب توجه است و پیچش بدن و حالت چهره افراد در تصویر، گویای عمل در حال انجام است. همانند دیگر نگاره ها بخشی از داستان در بالا و پایین نگاره به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نگارش شده است. رنگ های مورد استفاده در این نگاره سبز، قرمز (پوشش جامه اسماعیل)، زرد، قهوه ای، آبی و سبز تیره است.

شاخص این تصویر، شخصیت حضرت ابراهیم (ع) است که مورد امتحانی سخت قرار گرفته و سر بلند از آن، مورد رحمت و مغفرت الهی قرار می گیرد و خداوند نسب پیامبران را از نسل او قرار می دهد. امروزه تمامی افرادی که به زیارت خانه خدا می روند و حج بجا می آورند می بایست همچون ابراهیم، نفس خود را قربانی کنند. این نسخه تصاویری با سبک نگارگری اصفهان دارد و به نظر اکثر محققان، به سفارش شاه عباس اول و به یقین در دربار ایران اجرا شده است. از خصوصیات منحصر به فرد این نسخه، ارتباط بین متن و نگاره های آن است. چنان که جزء معدود نسخی است که نقاشی در آن، دقیقاً داستانی را نشان می دهد که متن آن در نزدیکی نگاره آورده شده است.



تصویر ۴: ابراهیم (ع) در آتش نمرود، نسخه کتابخانه برلین.

۳۸- جهت کسب اطلاعات در رابطه با وضعیت حکومت شاه اسماعیل دوم رک به: ایران عصر صفوی، نوشته راجر سیوری، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات سحر، چاپ دوم، ۱۳۶۶، صص ۶۱-۵۹.

۳۹- سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیا، پیشین، ص ۱۶۴.

۴۰- اختلاف کرده اند در ذبح اسماعیل. بعضی گفته اند ذبح اسماعیل بود و بعضی گفته اند ذبح اسحق بود. و اما آن که گویند ذبح اسماعیل بود دلیل کنند به قول مصطفی صلی الله علیه و سلم که گفت: انا ابن الذبیحین عبدالله و اسمعیل. و بی خلاف قول مصطفی درست تر بود. و نیز حجت آوردند گفتند: الذبیح اسمعیل ولكن اليهود حسدوا باولاد اسمعیل فقتلوا كان اسحق. و نیز حجت است که حق تعالی در قرآن قصه ذبح به تمامی بگفت و آن گاه آمدن اسحق از مادر یاد کرد و از هر لونی که بود اهل تذکیر اسمعیل را ذبیح گویند. و پیش از آن بود که ساره گفت مرا ابراهیم را که اسمعیل را و هاجر را از من ببر، آن گاه بیاورد بود غیر ذی زرع بنهاد؟

اگر گویی پیش از آن بود واجب کند که ذبح بکوه دیگر بود نه به عرفات و منا آنگاه مانند کردن مناسکها و اماکنها و اوقات های آن درست نیاید. و اگر گوئیم پس از آن بود که آن جا آوردش، و ابراهیم در آن جا مقام نکرد هیچ، تا خوابیدی که به خواب دیدی قربان کردن و در هفت روز این کار تمام گشت و فدا آمد. چون فدا بیامد ابراهیم شاد گشت، و اسمعیل نیز شاد گشت، و شکر کرد بدادن فدا. پس گفتند زود بخانه باز باید رفتن و هاجر را آنگاه باید کردن تا دلش فارع گردد. آن گاه ابراهیم و اسمعیل برخاستند و به خانه آمدند و هاجر را از آن حال آگاه کردند و شکر کرد، (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، صص ۶۴-۶۳).

نگاره دیگر این داستان، مربوط به نسخه چهارم موزه توپ قابی سرای استانبول است که به همین موضوع پرداخته است. (تصویر ۵) این نسخه دارای ۲۰۳ صفحه ۲۴×۳۶ سانتی متر و ۲۸ تصویر است. این نسخه در اندازه کوچکتری نسبت به دیگر نسخه‌ها تهیه شده و کاغذ آن ضخیم و به رنگ نارنجی است. نوشته‌های متن به خط نستعلیق و رنگ مشکی است. عبارات قرآنی، سرلوح‌ها و عنوان‌ها به رنگ قرمز و طلایی نوشته شده است. رنگ‌های مورد استفاده در این نسخه، طلایی، سبز روشن، قرمز تیره و آبی روشن است. در این نگاره حضرت ابراهیم (ع) با خنجری در دست و هاله‌ای نورانی اطراف سر، رو به آسمان و به سمت جبرئیل، ایستاده است. این بار نگارگر تصویر حضرت را ترسیم نکرده و جلوی ایشان در کناره صخره سنگی و درخت، اسماعیل با دستانی بسته و هاله‌ای نورانی اطراف سر نشسته است و سر رو به پایین دارد گویا در چنین حالتی نگارگر، حضرت اسماعیل (ع) را در حالت تسلیم فرمان الهی قرار داده است. جبرئیل با گوسفندی در دست و بال‌های گشاده ترسیم شده است. در قسمت بالای سمت راست تصویر، شخص دیگری نیز دیده می‌شود که از بالا نظاره‌گر واقعه است که بی‌شک شیطان است با حالتی متفاوت از چهره‌های انسانی، که در این واقعه او مانند همیشه قصد آن را دارد تا اولیاء الهی را نیز از فرمان خداوندی دور نماید.

بخشی از متن که گویای موضوع داستان است همچون دیگر نگاره‌ها در کادری، بالا و پایین تصویر قرار دارد. در این نگاره برخلاف تصویر قبلی، بویایی و حرکت کمتری دیده می‌شود. و نگارگر چهره‌ی حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) را ترسیم نکرده، گویا نگارگر با ترسیم نکردن چهره، قداست و روحانیت آن‌ها را به تصویر کشیده است.

تصویر ۴: راست، ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی دوم کتابخانه پاریس.
تصویر ۵: چپ، ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی چهارم موزه توپ قابی سرای استانبول.



۴۱- مزده، کاظم، نقد متخیی از نگاره‌های قصص الانبیا، پیشین، ص ۱۳۸.

داستان ساختن خانه کعبه

بر طبق روایات، نخستین کسی که خانه کعبه را بنا کرد و حج بجا آورد، آدم ابوالبشر (ع) بود. سپس در جریان طوفان نوح، خدای تعالی اساس و پایه های آن را به آسمان بالا برد و دوباره به زمین باز گرداند. هنگامی که ابراهیم (ع) قصد احیای مجدد بنا را داشت، جبرئیل بر وی نازل شد و جای ساخت کعبه را با ترسیم خطی بوی نشان داد. ابراهیم (ع) مأموریت خطیر و مهم خود را به فرزند خود ابلاغ نمود و ساخت خانه خدا را آغاز نمود. اسماعیل سنگ و گل و سایر ابزار کار را آماده کرد.^{۴۲}

بدین شکل خداوند خانه کعبه را که بدست توانای ابراهیم بنا شده بود، به قبیله ی مسلمانان جهان تبدیل نمود. رنج هایی را که برای اعتلای کلمه توحید در آن سرزمین داغ و سوزان متحمل شد به صورت خاطراتی فراموش ناشدنی در آورد و با تشریح مناسک حج، آن خاطرات فراموش ناشدنی را برای همیشه زنده و جاوید نگاه داشت.^{۴۳} داستان ساخت کعبه در قصص الانبیا نیشابوری نیز به تفصیل آورده شده است.^{۴۴}

نگاره ی بعدی (تصویر ۶) مربوط به نسخه اول موجود در مجموعه اسپنسر کتابخانه ملی نیویورک است. تاریخ این نسخه ۹۸۴/۱۵۷۷ مقارن با دوران شاه اسماعیل دوم صفوی است. این نسخه دارای ۲۰۹ برگ به اندازه ۲۴×۳۵ سانتی متر و ۱۸ تصویر است.

تصویر ۶: ابراهیم (ع) و اسماعیل بعد از ساختن خانه کعبه نماز می گذارند، نسخه ی اول کتابخانه ملی نیویورک.



۴۲- سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیا، پیشین، صص ۱۸۰-۱۷۸.

۴۳- همان مأخذ، ص ۱۰۳.

۴۴- خداوندان تحقیق گفته اند که چون طوفان نوح بود خدای تعالی آن سنگ ها را بکوه ها باز داد که آدم برگرفته بود از ایشان. چون حق تعالی ابراهیم را بنای کعبه فرمود برخاست و ساره را واسحق را و جمعی که مسلمان بودند از خاصه گان او بیاورد. آن گاه ابراهیم بگفت بار خدایا من تقدیر خانه نمیدانم که چیست. حق تعالی وحی کرد که ترا بنمایم، آن گاه فرمود تا آن سنگ ها باز آوردند. جبرئیل علیه السلام مینمود تا از پنج کوه سنگ بیاوردند، از: طور سینا و زینا و لبنان و حری و جودی. و گویند جبرئیل بر آورد. و سه سال تمام شد و هفت سال آن جا بماندند و حجر الاسود ناپدید شده بود. حق تعالی جبرئیل را بفرستاد تا بیاوردند بمقام بهادند، و مناسک ها راست کردند. ابراهیم علیه السلام حج کرد و آن چه واجب بود بجای آورد. خواست که باز گردد، فرزندان را گفت بیاید تا بر کوه رویم و دعا کنیم. برفتند. ابراهیم گفت دست ها بردارید. برداشتند. ابراهیم دعا کرد و گفت: اللَّهُمَّ مِنْ حَجِّ مَنْ شِئِخٌ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. آمین کردند. آن گاه اسمعیل را فرمود که دعا کن. اسمعیل گفت: اللَّهُمَّ مِنْ حَجِّ مَنْ كَهُولٌ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. ایشان آمین کردند. آن گاه ساره را فرمود دعا کردن. ساره گفت: اللَّهُمَّ مِنْ حَجِّ مَنْ نَسَاءٌ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. [آمین کردند]. آن گاه هاجر را گفت تو نیز دعا کن. هاجر گفت: اللَّهُمَّ مِنْ حَجِّ مَنْ امَاءٌ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. آمین کردند. چون از دعا فارغ شدند، جبرئیل آمد و گفت با ابراهیم خلق را به حج خوان. ابراهیم گفت بار خدایا خواندن من که شنود؟ حق تعالی گفت خواندن از تو و رسانیدن از من. ابراهیم گفت: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمْرُنِي بِنَاءِ الْكُتَيْبَةِ تَبَيْتُهَا وَ سَوَّيْتُهَا بِأَمْرِ اللَّهِ وَ دَعَوْتُهُ، فَاجْتَبُوا لِي زِيَارَتَهُ، يَغْفِرْ لَكُمْ. ملك تعالی آواز او به همه برسانید، همه جواب دادند آن کس ها که ایشان را حج روزی خواست بودن تا قیامت گفتند لَئِكَ لَئِكَ، (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، صص ۷۲-۷۰).

این نگاره حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) را بعد از ساختن خانه کعبه در حالی که به مناجات خداوند مشغول هستند به تصویر کشیده است. حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) با هاله‌ای نورانی و با جامه‌هایی دارای آستین‌های بسیار بلند، دست‌ها را پوشانده است، ترسیم شده‌اند. در مقابل آن‌ها جبرئیل با بال‌هایی بسیار زیبا، نظاره‌گر حادثه است. چهره‌ی مس‌تر احتمالاً حضرت ابراهیم (ع) و شخص جوانتر، حضرت اسماعیل (ع) است. در وسط ساختمانی شش وجهی با دیوارهایی مزین به نقوش و گنبدی در بالا، تصویر شده است. دیگر افراد حاضر در پایین صحنه احتمالاً از اقوام ساکن در منطقه و پیروان آن حضرت هستند. این که ساختمان، خانه کعبه باشد یا نه، جای سؤال است چرا که خانه کعبه گنبد ندارد و شش وجهی نیست. اما براساس تصاویر جدید مسجدالحرام، این ساختمان به حجر ابراهیم که در مقابل خانه کعبه قرار دارد و حجاج در پشت آن نماز می‌گذارند، شباهت بسیاری دارد. در بالای صحنه و پشت صخره‌ها هم افراد دیگری دیده می‌شوند که نظاره‌گر حادثه هستند. کاغذ مورد استفاده در این نسخه کرم رنگ و خارج از کادر تصویر با زمینه‌ای طلایی رنگ، نقوش گل و بوته ترسیم شده است. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره، آبی تیره و روشن، قرمز، سبز، طلایی و زرد است. دو نسخه‌ی قصص الانبیاء، موجود در کتابخانه ملی نیویورک سبک قزوین را تداعی می‌کند.

داستان مناظره موسی (ع) با جادوگران

در خصوص عصای حضرت موسی (ع) طبرسی (ره)^{۴۵} از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: عصای موسی از چوب «آس» بهشت بود که جبرئیل آن را برای موسی آورد. در نقل دیگری کلینی (ره)^{۴۶} در کتاب شریف کافی از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: عصای موسی از آدم البشر (ع) به شعیب (ع) رسیده بود و از شعیب نیز به موسی بن عمران رسید و همان عصا اکنون در نزد ما است و به دست قائم آل محمد (عج) خواهد رسید. علم سحر و جادو در سرزمین مصر اهمیت فراوانی داشت و فراعنه‌ی مصر نیز برای حفظ مقام و حکومت خود از وجود آن‌ها بهره‌های زیادی می‌بردند و جویندگان آن علم را تشویق می‌کردند و چنانچه در حدیث آمده یکی از اسرار این که خداوند متعال معجزه‌ی موسی (ع) را نیز عصا و ید بیضاء قرار داد، همین بود که معجزه‌ی آن حضرت از نسخ کار ساحران باشد و در اثر مهارتی که در این علم داشتند به معجزه بودن کار موسی بهتر واقف گردند.^{۴۷}

داستان مناظره موسی (ع) با جادوگران در کتاب قصص الانبیاء نیشابوری آورده شده است.^{۴۸} نگاره مربوط به این داستان برگرفته از نسخه هفتم محفوظ در موزه توپ‌قاپی سرا استانبول می‌باشد. این نگاره (تصویر ۷) موضوع معجزه حضرت موسی (ع)، آغاز رسالت آن حضرت را با زیبایی منحصر به فردی ترسیم می‌کند. در این نگاره ازدهایی بزرگ به رنگ قرمز در مرکز تصویر قرار گرفته که در حال بلعیدن یکی از افراد جادوگر است و حضرت موسی (ع) در بالا و گوشه راست با جامه‌ای به رنگ آبی و منقوش، در پشت تخته سنگ‌ها ترسیم شده است. یکی از تفاوت‌های

۴۵- ابوعلی فضل بن حسن بن فضل معروف به شیخ طبرسی ملقب به امین‌الاسلام و مفسر بزرگ قرآن در عصر سلاجقه می‌زیسته است و در فقه، حدیث، ادب، رجال، لغت و علوم ریاضی متبحر بود و شعر می‌سرود. اثر معروف او در تفسیر قرآن مجمع‌الایمان است. ۳۹: ۱۱، ۸۶/۱۲/۱۵، www.Irib.ir

۴۶- محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی - فقه‌الاسلام کلینی - مفسر شیعی که تاریخ حیات او با غیبت صفوی امام زمان (عج) عین بود. اثر برگزیده او مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه مجموعه کتاب «الکافی» که شامل فروع کافی (بسیج جلد) و روضه کافی (یک جلد) است و اصول کافی (دو جلد) از احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) می‌باشد و کتابی است که کلینی در طی بیست سال تلاش خستگی‌ناپذیر به تألیف آن موفق شد. ۸۶/۱۲/۱۵، ساعت ۱۱:۵۰، www.shoolnet.ir

۴۷- همان، صص ۸۹-۸۸

۴۸- اما در قصه چنین آمده است که چون جادوان پیامدند، هامان (وزیر فرعون) ایشان را پیش خواند و گفت موسی چنین حجت‌ها دارد، و از آن چهار هزار مرد چهارصد بگزید که داناتر بودند و بیک قول هفتصد برگزید. و در خبر چنان آمده است که جادوان فرعون کارها را راست کردند، و بنزدیک هامان آمدند، و هامان را گفتند ما این همه که می‌کنیم تا این دشمن را قهر کنیم. پس جادوان بیرون آمدند و جایگاه گرم که ریگ بود طلب کردند و آن‌جا شدند. و بیستادند. و آن همه خلق از لشکر و غیر آن نظاره ایستاده، و موسی با هارون علیهما السلام جام‌های خلق پوشیده و عصاها بدست گرفته و با ایشان هیچ زینت و تجمل نه. چون فراز آمدند و آن عصاها و رسن‌ها بدیدند، متحرک و جنبان شده، متحیر شدند که چه شاید بودن. جادوان چون او را بدیدند گفتند ما ترا امروز غلبه کنیم. موسی گفت نتوانید. لیکن می‌کنید، و فرمان حق نگاه دارید، و ازین کار زشت و آزار خدای و رسول باز گردید، و پرو دروغ میندید. چنانکه گفت: لَا تَقْتَرُوا عَلٰی اللّٰهِ كَذِبًا. (سوره طه، آیه ۶۱) ایشان گفتند ترا امروز روی سخن نیست، لیکن بگو که تو افکنی یا ما افکنیم. موسی گفت ما ائمه مَلْفُونَ، فَالْقَوْلُ جِبَالُهُمْ وَ عَصِيْبُهُمْ (سوره الشعراء، آیات ۴۴-۴۳) قَالَ لَهُمْ مُوسٰى اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ. و ایشان بیفکندند عصاها و رسن‌ها. يُخَيَّلُ اِلَيْهِمْ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنْهَا تَشْعَلُ. (سوره طه، آیه ۶۶) چنان نمود از جادوی ایشان که رودی زیرا که گرمای آفتاب و ریگ گرم شده بدان رسن‌ها رسید که سیماب اندوده بودند و در میان عصاها پر کرده بجنبش آمدند، و خلق پنداشتند که می‌رود، و کس ندانست که در میان سیمابست. پس موسی عصا بیفکند و گفت: بِسْمِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيْمَانِ، الرَّحِيْمِ الرَّحْمٰنِ. در ساعت عصای موسی سر بر آورد و آن همه جادوی ایشان فرو خورد. گویند چندین خروار رسن و عصا بود همه فرو خورد، چنان که هیچ بدید نیامد. آن‌گاه آتش از دهن او جستن گرفت و فصد خلق کرد تا همه سیاه ترسیدند و هزیمت شدند. در تفسیر آورده‌اند که هفتصد هزار مرد در زیر پای لشکر هلاک شدند، باز قصد تخت فرعون کرد و قبی او. فرعون زینهار خواست. امر آمد که یا موسی عصا را بگیر. موسی عصا را بگیرت. ساحران با یکدیگر گفتند اگر جادوی بودی ناپدید نشدی. این نیست مگر حق و صنع صانع. ملک تعالی در ساعت دل‌های ایشان را بایمان گشاده گرداند و راه راست‌شان بنمود. در وقت سجده افتادند و زاری میکردند و می‌گفتند: اَمْ اَنْزَلَ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ (سوره الاعراف، آیه ۱۲۱). جمله بانگ بر آوردند که رَبُّ مُوسٰى وَ هَارُونَ (سوره الاعراف، آیات ۱۲۲-۱۲۱). مانای خدای موسی و هارون را می‌گوییم و سجده می‌کنیم که سجده کردن مر او را سزاست. نیشابوری، قصص الانبیاء، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۰.

این نگاره در طراحی تصویر پیامبران با دیگر نگاره‌ها هم موضوع در هاله‌ای است که دور سر حضرت را پوشانده که فرم آن شبیه شعله نورانی آتش است که دست راست حضرت با ستاره‌ای نورانی و طلایی پوشیده شده است. شاید دلیل این گونه استفاده، تضاد آن با پس‌زمینه تصویری است که به رنگ قهوه‌ای بسیار روشن متمایل به رنگ طلایی است. استفاده از ترکیب رنگ، در این هاله نورانی نمایز خاصی در صحنه ایجاد کرده است. در سمت چپ تصویر نیز دو فرد به شکل دیو همراه با ازدها و ماری در دست، سعی در مقابله با این اتفاق دارند که این مسئله گویای سحر و جادوی جادوگران فرعون است و در بالای سمت چپ فردی، احتمالاً فرعون با عمامه‌ای تیررنگ واقعه را نظاره می‌کند. در این نگاره کاربرد رنگ های آبی و قرمز نمود بیشتری دارد. بخشی از داستان در کادر بالا و پایین صفحه به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نوشته شده است.

داستان ولادت و سخن گفتن حضرت عیسی (ع)

عیسی (ع) از پیامبران بزرگواری است که نامش در قرآن کریم بسیار آورده شده و در بیشتر آیاتی که ذکری از آن حضرت به میان آمده نامش با فضیلت توأم با عظمت یاد شده و با تعبیری چون عبدالله و کلمه خدا، روح خدا و تأیید شده روح‌القدس مفتخر گشته است. در قرآن ۴۵ بار نام حضرت عیسی (ع)، یازده بار با لقب مسیح جمعاً در سیزده سوره نام آن ذکر شده است. مادرش مریم، دختر عمران، است او یکی از زنان برگزیده عالم، عفیف و پاکدامن است که به مقام قرب حق تعالی نائل گشته و عبادت و خدمت به پیشگاه خداوند پذیرفته شده است. بی حساب و بی وسیله از جانب خدا و روزیش می‌رسیده و فرشتگان الهی - و در رأس آنها جبرئیل - بر وی نازل گشته و به ولادت فرزندش مسیح او را مژده داده‌اند.^{۴۹} سخن گفتن حضرت عیسی (ع) نیز از جمله معجزات این پیامبر صاحب شریعت الهی است.

ابواسحاق نیشابوری داستان حضرت عیسی (ع) با اشاره به آیاتی از سوره مریم به تفصیل بازگو نموده است.^{۵۰}

نگاره مربوط به این داستان از نسخه پنجم قصص الانبیا محفوظ در موزه توپ قابی سرای استانبول انتخاب شده است. این نسخه دارای ۲۵۹ صفحه و ۱۶ تصویر است. این نسخه کاغذ نارنجی رنگ ضخیم و نوشته‌هایی به رنگ مشکی دارد. عبارات قرآنی استفاده شده در آن به رنگ های آبی و طلایی است. دیگر رنگ‌های آن طلایی، نارنجی و سبز روشن و خط آن نستعلیق است.

در این نگاره (تصویر ۸) تمثال‌های مبارک، حضرت مریم (س)، حضرت عیسی (ع) و حضرت زکریا (ع)، که از اوان کودکی حضرت مریم (س)، حامی ایشان بوده است، با هاله‌ای نورانی بر دور سر، به تصویر کشیده شده‌اند. حضرت عیسی (ع) در آغوش حضرت مریم قرار گرفته است. دیگر افراد حاضر در صحنه نشسته و به سمت کودک (حضرت عیسی (ع)) اشاره دارند و رو به سوی زکریا (ع) حالتی پرسشی دارند. شش نفر از این تعداد، کلاه‌خودی بر سر دارند که نشانگر تعلق آن‌ها به افراد حکومتی است. در بخش بالای تصویر، پنج نفر در پشت تخته‌سنگ‌ها حضور دارند که شاهد ماجرا هستند. مقابل حضرت مریم (س) با پوششی کامل بر سر و جامه‌ای به رنگ روشن و منقوش، عیسی را در آغوش دارد و نگاه او رو به سوی مقابل است و در حال حمل عیسی (ع) به سمت جلو و اشاره به افراد است. این نوع ترسیم از حضرت مریم (س) خود گویای واقعیت رخ داده است که حضرت مریم (س) روزه سکوت اختیار کرده و خود با افراد سخن نمی‌گوید. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره، آبی، سبز، قرمز و رنگ زرد هستند. نوع پوشش پیکره‌ها همچون دیگر نگاره‌ها، شبیه به پوشش‌های اوایل دوران صفویه است. انطباق آیات قرآنی درخصوص واقعه حضرت مریم (ع) و عیسی (ع) با نوع ترسیم نگارگر همخوانی قابل توجهی دارد.

نسخه مربوط به این نگاره منسوب به هنرمندان و حامیان هنری امپراطوری عثمانی است یک امپراطوری بزرگ مسلمان در سده‌های شانزدهم - هجدهم / دهم - یازدهم مرادات فرهنگی و هنری قابل توجهی با حکومت شیعی مذهب صفویه داشته‌اند.

۴۹- سید هاشم، رسولي محلاتي، تاريخ انبياء، پيشين، ص ۲۸۹.

۵۰- پس مریم چون خواست که باز بنهد از آن عباد و زهاد که در بیت المقدس بود شرم بداشت بیرون شد، بیامد به سایه درخت خرماي خشک شده بنشست، و عیسی (ع) به دنیا آمد، و از درد و شرم مردمان گفت: یا لیتنی مت قبل هذا. سوره‌ی مریم، آیه ۲۳.

گفت کاشکی پیش ازین که مرا این پیش آمد بمردمی تا کسی مرا نشناختی و یاد نکردی و جبرئیل دلش خوش کرد: فَكَلِمَةٍ وَاشْرَبِي وَ قَرِي عِنَّا (سوره‌ی مریم، آیه ۲۶). گفت ازین خرما بخور و از این آب، و چشم روشن دار بدین فرزند که آوردی. فَإِنَّا نُرِيهِ مِنَ الْبَشَرِ أَخْذًا (سوره‌ی مریم، آیه ۲۶) و اگر کسی از آدمیان بینی، فقولی إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا. (سوره‌ی مریم، آیه ۲۶) بگویی که من امروز با کس سخن نمی‌گویم چه من بروزم. آن‌گاه، مریم عیسی را بگرفت و بنزدیک قوم خود باز آمد آن زهاد و عباد عجب داشتند و بسوی زکریا رفتند و گفتند تو او را تنها بجای ماندی تا زنا کرد. زکریا گفتن او چنین نکند. گفتند این از کجا آورد مریم؟ گفت او را پرسید و گفتند: یا مَرِيْمَ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (سوره‌ی مریم، آیه ۲۷). این چیزی سخت منکر آوردی. یا أَخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سُوًّا وَ مَا كَانَتْ أُمَّكَ نَبِيًّا. (سوره‌ی مریم، آیه ۲۸) یا خواهر هارون پدر تو مردی بد نبود و نیز مادرت زنا کننده نبود این از کجا آوردی؟ آن‌گاه مریم بسوی عیسی اشارت کرد که سخن با خود او بگوید. فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ (سوره‌ی مریم، آیه ۲۹). گفتند بر ما افسوس می‌کنی، و ترا این رسد که ما را بفرمایی که ما با کودکی در مهد سخن گوئیم؟ در ساعت حق تعالی عیسی را بسخن آورد مر علامت نبوت را و آیت را میان خلق و پاکي مریم و زکریا را. [گفت: إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ؛ (سوره‌ی مریم، آیه ۳۰) من بنده خدایم. تا بگفت: أَنَا نَبِيُّ الْكِتَابِ، (سوره‌ی مریم، آیه ۳۰) یعنی الانجیل، وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مَبَارَكًا. (سوره‌ی مریم، آیه ۳۱) مرا انجیل پیاموخت و مرا بیفامبری داد بکودکی. و خدای تعالی درود خویش بر من کرد آن روز که درین جهان آمدم و آن روز که ازین جهان بیرون روم و آن روز که نزد خداوند روم. ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، صص ۳۶۹-۳۶۶.



تصویر ۷: چپ،
تبدیل شدن
عصای موسی (ع)
به ازدها و
پیروزی بر
جادوگران
و ساحران
مصری، نسخه‌ی
چهارم موزه‌ی
توب قاپی سرای
استانبول.

تصویر ۸: راست،
سخن گفتن
حضرت
عیسی (ع) بعد از
ولادت، نسخه‌ی
خطی پنجم
موزه‌ی
توب قاپی سرای
استانبول.

داستان رفتن حضرت عیسی (ع) به آسمان و بر دار شدن بدل او^{۵۱}

در این نگاره (تصویر ۹) که داستان آن در کتاب قصص الانبیا نیشابوری به صورت مبسوط پرداخته شده. ^{۵۱}بیکرهای نحیف در میانه‌ی تصویر بر بالای دار ترسیم شده و مردم نظاره‌گر واقعه هستند. فردی نیز در کنار دار در حال کشیدن طناب است. این نگاره متأسفانه به رنگ سیاه و سفید به دستمان رسیده و تا حدی نیز چهره‌ی برخی از افراد مختوش شده است. همان گونه که از متن داستان برمی‌آید فرد بالای دار شخصی است که اطرافیان او را به تصور این که حضرت عیسی (ع) است به دار کشیده‌اند. در واقع در این نگاره، بدل عیسی بر چوبه دار اعدام می‌شود. افراد حاضر در تصویر که در حال نظاره کردن ماجرا و گفتگو با هم هستند، احتمالاً از یهودیانی می‌باشند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاورده‌اند و همان‌طور که در داستان ذکر شده، آن‌ها هنوز در تردید عملی که انجام داده‌اند قرار دارند که آیا این فرد همان عیسی مسیح (ع) است؟! ^{۵۲}

۵۱- حضرت عیسی (ع) با پشت کار و دلگرمی عجیب به کار تبلیغ دین خود اشتغال داشت و بهر شهر و ده و روستایی که وارد می‌شد بیماران و زمین‌گیران و کوران و کران را شفا می‌داد و معجزات نبوت خود را به مردم می‌نمایاند. پیشرفت آئین الهی و دیانت حضرت مسیح رؤسای یهود را مصمم ساخت تا تصمیم قطعی خود را درباره آن حضرت بگیرند و نقشه قتل آن حضرت را طرح کنند. در این جا و به گفته بسیاری از مورخین یهودی سخریوطی قطع شد و دین خود را بدینا فروخت با این که خود در زمره حواریون آن حضرت بود و در صدد برآمده تا محل حضرت را به یهود و مأموران دولتی نشان دهد. آن چه بر ما مسلم است این است که یهود نتوانست عیسی (ع) را دستگیر سازد. بر طبق روایاتی بسیار که از طریق شیعه و سنی نقل شده است حضرت عیسی (ع) در آخر الزمان به زمین فرود می‌آید و حضرت مهدی (عج) را مقدمه می‌دارد و در پشت سر آن حضرت نماز می‌گذارد و پیروان آن حضرت بدین اسلام درمی‌آیند و اسلام بر همه ادیان پیروز می‌شود. (تاریخ انبیاء، پیشین، صص ۳۳۲-۳۳۰).

۵۲- او در قصه چنین آمده است که چون عیسی علیه‌السلام آخر عمرش بود، به بیت المقدس باز شد. جهودان قصد کشتن او کردند و آن ملک را با خود یار کردند و تدبیر هلاک وی می‌کردند. خبر به عیسی رسید در خانه پنهان شد. بعضی گویند که حواریان با وی بودند. پس جهودان خبر یافتند که او کجاست. بیامد او را بگیرند و خواستند که بکشند، و خدای تعالی جبرئیل را علیه‌السلام بفرستاد تا بیامد و او را از میان ایشان برداشت و به آسمان برد. و بعضی گویند در بنی اسرائیل جوانی بود مهتر ایشان. وی بطنب عیسی در خانه درآمد. عیسی بر بام شد خدای تعالی جبرئیل علیه‌السلام را بفرستاد تا بیامد و عیسی را به آسمان برد. آن مهتر ایشان همه خانه را بجست، عیسی را نیافت، خواست که بیرون آید خدای تعالی شبه عیسی بر او افکند، بیرون آمد، گفت عیسی را نمی‌یابم. گفتند چگونه که خود عیسی توی بگرفتندش و بگشتندش. و بعضی گویند در آن وقت درآمد که عیسی در نماز ایستاده بود هر چند طلب کرد او را نیافت، چون خواست که بیرون آید خدای تعالی شبه عیسی بر او افکند، و شبه او بر عیسی، تا او را بگیرند و بکشند و عیسی از میان بجست سلامت، و می‌آمد تا آنجا بگاه که عبادت گاه او بود. آن گاه جبرئیل بیامد و او را به آسمان برد، چون ایشان یار خود را ندیدند بشک افتادند که این که کشتی یار ما بود یا عیسی. و در آن شک بماندند و هنوز جهودان در آن شک مانده‌اند. (ابراهیم نیشابوری، قصص الانبیاء، پیشین، صص ۳۸۳-۳۸۲).



تصویر ۹: بدل عیسی بر پای چوبه دار، نسخه کتابخانه برلین.

این نگاره از نسخه محفوظ در مجموعه دایز کتابخانه برلین انتخاب شده است. بر اساس روال دیگر نگاره‌ها، بخشی از داستان در کادر مخصوص، به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نگارش شده است. جایگاه نقل داستان‌ها در تمامی نگاره‌های مورد بحث در نسخه‌های مصور قصص الانبیا، در بالا و پایین کادر نگاره، به صورت کتیبه‌ای، نقش بسته است.

داستان معراج پیامبر (ص)

حضرت محمد (ص) آخرین فرستاده و پیامبر صاحب کتاب و شریعت از سوی خداوند است که در شهر مکه و در قبیله قریش دیده به جهان گشود و دنیای تاریک و ظلمانی آن دوران را روشن کرد و نور هدایتش در تمامی عالم گسترده شد.

پیامبر (ص) با تمام فضائلی که در او یافت می‌شد، هرگز دعوی آن نکرد که دارای خصایص فوق بشری است. او خود را بشری می‌دانست که به او وحی می‌رسید^{۵۳} و خداوند در قرآن کریم در سوره انعام آیه ۴۱ چنین می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...» «بگو جز این نیست که من بشری مانند شما هستم با این تفاوت که به من وحی می‌شود...»^{۵۴}

در قرآن آیاتی نقلی شده است که به مقام و جایگاه باعظمت و منحصر به فرد پیامبر (ص) اشاره شده است.^{۵۵} یکی از داستان‌های زیبا و شگفت‌انگیز زندگانی حضرت محمد (ص) عروج آن حضرت به آسمان است که نشان از جایگاه و مرتبه‌ی آن حضرت دارد. خداوند در سوره اسراء آیه اول به این واقعه اشاره نموده است.^{۵۶}

عروج محمد (ص) چند سال پس از آغاز مأموریت پیامبری و در زمانی اتفاق افتاد که به نظر می‌رسید از همگان، دست کشیده و تسلیم محض خواست الهی بود. این واقعه به شکل وصف‌انگیزی تبدیل به افسانه شبیه به حالت خلسه گشت.^{۵۷}

کلمه معراج از عراج آمده که بالارفتن را معنی می‌دهد و اسراء نیز به معنای رفتن در شب است.^{۵۸، ۵۹} معراج پیامبر (ص) یکی از مضامینی است که در هنر نگارگری اسلامی بسیار به آن پرداخته شده است و در هر دوره هنری نقاشان و حامیان آن‌ها سعی در به تصویر کشیدن این واقعه‌ی بزرگ داشته‌اند. معراج موضوعی مذهبی است که در تمامی دوره‌ها و عرصه‌های هنری مصور گشته است.^{۶۰} به‌طور کلی اکثر نسخه‌های قصص الانبیا مصور، تصویری مربوط به داستان معراج حضرت محمد (ص) می‌باشد.

در این بخش ۲ نگاره مربوط به معراج پیامبر انتخاب شده است که هر دو مربوط به نسخه‌ی محفوظ در مجموعه دایز، کتابخانه ملی برلین است. این دو نگاره که یکی حضرت محمد (ص) را در آغاز سفر و دیگری در مسیر معراج به تصویر کشیده است، با دیگر نگاره‌های نسخه مورد نظر کمی تفاوت دارند. همان‌طور که بیشتر اشاره شد این نسخه دارای دو نوع شیوه و سبک نگارگری است.

۵۳- مهناز، شایسته‌فر، تأثیر سیره نبی بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، پیشین، ص ۱۲۱.
 ۵۴- قرآن بزرگترین معجزه پیامبر اکرم (ص) است چرا که علم فصاحت و بلاغت در آن زمان و در شبه‌جزیره عربستان و میان اعراب زیادی داشت و از آن روی که محمد (ص) فرد عامی و بی‌سواد در میان مردمان آن زمان بود نزول قرآن و آیه‌های آسمانی همگی نشانه‌هایی از معجزه تقلیدناپذیر آن رسول بزرگوار است.
 ۵۵- یکی در سوره‌ی علق آیات ۳ تا ۴ که خداوند همانند آدم (ع) همه نام‌ها را به محمد آموخت.
 ۵۶- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» «پاک و منزه است آن خدایی که بنده‌اش را از مسجد الحرام تا مسجدالاقصی که اطرافش را برکت داده‌ایم شبانه برد، تا از نشانه‌های خود به او نشان دهیم، همانا او شنوا و بیناست»، برگرفته از پایگاه www.qaraati.net تاریخ ۱۴/۱۲/۸۶ ساعت ۵:۵۳.

۵۷- ماری، رزسگای، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۳.
 ۵۸- محسن، ادیب بهروز، معراج از دیدگاه قرآن و روایات، بی‌جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۹.
 ۵۹- معراج مقدس‌ترین سفر در طول تاریخ است. مسافرش پیامبر اسلام (ص)، مبدأ آن مسجدالحرام، گذرگاهش مسجدالقصی، میزبانش خدا، هدف آن دیدن آیات الهی، سوغاتش اخبار آسمان‌ها و ملکوت و بالابردن سطح فهم بشر از این دنیای مادی بوده است. معراج پیامبر، جسمانی و در بیداری بوده، نه در خواب و با روح و اصل آن از ضروریات دین و مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است. (محسن قرآنی، تفسیر نور، تفسیر کامل قرآن، برگرفته از سایت www.qaraati.net تاریخ ۱۴/۱۲/۸۶ ساعت ۵:۵۳)
 ۶۰- بخش اول این سفر آسمانی در آیه اول سوره اسراء آمده است یعنی سیر از مکه و مسجدالحرام به مسجدالقصی و بیت‌المقدس و در سوره‌ی نجم آیات ۱۸-۱۳ قسمت دوم معراج یعنی سیر آسمانی آمده است. زمان معراج پیامبر را بعد از سفر طائف در یازدهمین سال بعثت مشخص کرده‌اند. در تاریخ، ۵ زمان برای معراج به ثبت رسیده است: ربیع‌الاول، ربیع‌الآخر، رجب، رمضان و شوال که معروف‌تر از همه ۲۷ رجب است. پیامبر پس از نماز مغرب در مسجدالحرام از طریق مسجدالقصی به وسیله ابراق، به آسمان‌ها رفت و چون برگشت، نماز صبح را در مسجدالحرام خواند. (ماری، رزسگای، معراج‌نامه، پیشین، ص ۸).
 ۶۱- همان، ص ۸.

نگاره اول (تصویر ۱۰) حضرت محمد (ص) را پیش از رفتن به معراج و در آغاز سفر نشان می‌دهد. آن حضرت در حالی که هاله‌ای نورانی دور سر ایشان است به کمک فرشته جبرئیل سوار براق می‌شود. چهره‌ی حضرت به وسیله بخشی از عمامه ایشان پوشیده شده و جامه حضرت به رنگ‌های سفید و سبز آرایش شده است. براق نیز در هاله‌ای نورانی تصویر شده است. در واقع، تمام سطح نگاره، پوشیده از انوار الهی است. حضور فرشتگان که هر کدام در دستان خود شی‌ای نورانی دارند، با بال‌های گشاده به شکوه‌مندی تصویر افزوده است. سر براق به شکل انسان با تاجی بر سر طراحی شده است.^{۶۲} در گوشه پایین سمت چپ تصویر شخصی ترسیم شده که با جامه‌ای قرمز رنگ نظاره‌گر واقعه است. در این نگاره برخلاف دیگر نگاره‌ها در بالای صفحه چهار بیت شعر به خط نستعلیق نوشته شده است.^{۶۳}

در قسمت پایین تصویر حکایتی فارسی از حضرت مولانا جلال‌الدین نوشته شده است.^{۶۴} این حکایت که از زبان شاعر و عارف سده‌ی سیزدهم/ هفتم نقل شده، نشان از بزرگی و عظمت جایگاه حضرت محمد (ص) دارد و آن‌که او آگاه بود که هیچ کس نمی‌تواند پی به عظمت خدا برد. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره، آبی سیر به عنوان پیش‌زمینه (که نشان‌دهنده رنگ آبی آسمان در شب، زمان انجام سفر است) قرمز، سبز، نارنجی و طلایی است. در بالای نگاره کنار محل نگارش ابیات، ماه نیز تصویر شده است. در این داستان هم شخصیت حضرت محمد (ص) اهمیت ویژه‌ای دارد و هم خود رویداد که در سببی استثنایی رخ داده و هم گفتگو پیامبر با جبرئیل، پیامبران و مؤمنان در این سفر ملکوتی.



تصویر ۱۰: حضرت محمد(ص) در آغاز سفر معراج. نسخه‌ی کتابخانه برلین.

۶۲- به امر حضرت احدیت جبرئیل امین (ع) براق را برای سواری حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شب معراج آورد. چنانچه در دعای ندبه به آن اشاره شد، «وَسَخَّرَ لَهُ الْبُرَاقَ» و براق حیوان بهشتی بود که از حیث جتنه کوچک‌تر از استر و بزرگ‌تر از حمار بوده و هرگاه از پستی به بلندی سیر می‌کرده دست‌های او کوتاه و پاهای او بلند می‌شده که پشت او صاف گردد و به راکبش صدمه‌ای وارد نیاید و هرگاه در هوا پرواز می‌کرده به کمتر ساعتی برای او طی تمام عالم ممکن بوده و به روی زمین که سیر می‌کرده به هر گام خود یک مد بصر را می‌پیموده و چون پیغمبر اکرم خواست بر پشت او سوار شود براق تمکین نمی‌کرد. جبرئیل طباچه‌ای بر او زد و گفت هرگز بر پشت تو از پشیمان و آن‌هایی که بعد می‌آیند کسی سوار نشده و سوار نخواهد شد که افضل از پیامبر خاتم باشد و لذا براق تمکین آن جناب را نمود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر پشت آن سوار گشت. (ماری، رزسگای، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

۶۳- زمان خواجه وقت استوار بود
 بخط استوار بر قامت راست
 به سمت او جو شیطان شد مسلمان
 ندارد سایه کو دارد سایه
 که از هر ظل و ظلمت مصطفی بود
 ندارد سایه پیش او چپ و راست
 زیر پای او شد سایه پنهان
 زهی نور خدا ظل الهی

۶۴- حکایت بدین شرح است: روزی حضرت مولانا از پیش خوان شکرریزان می‌گذشت، حضرت مولانا شمس‌الدین تبریزی برخاست و پیش آمد عنان مرکب مولانا را بگرفته که یا اماما لمسلمین ابا یزید بسطامی بزرگتر بود یا محمد؟ مولانا فرمود: حضرت محمد رسول الله بزرگترین عالمیان بود چه حای بایزیدست؟ گفت پس چه معنی است که او با همه عظمت خود می‌فرماید: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ وَابْنِ بَايَزِيدِ» می‌گوید: «شُحْبَانِي مَا أَكْظَمُ شَأْنِي» و «أَنَا سُلْطَانُ السُّلْطَانِينَ». مولانا فرمود که بایزید را تشنگی از جرعه‌ای ساکن شد و دم از سیرابی زد و کوزه‌ی ادراک او از آن مقدار پر شد و آن نور به قدر روزن‌خانه‌ی او بود. اما حضرت محمد(ص) را استغای عظیم بود و تشنگی در تشنگی و سینه‌ی مبارکش به شرح «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» «أَرْضَ اللَّهِ أَوْسَعُ» گشته بود لاجرم دم از تشنگی زد و هر روز در استدعای قربت زیادت‌ی بود، و از این دو دعوی، دعوی مصطفی عظیم است، از بهر پیش رفت، انوار و عظمت و قدرت و حکمت حق را یوماً به یوماً بعد ساعتی زیاده می‌دید. از این روی «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» می‌گفت. (مناقب‌العارفین، جلد ۲، ص ۶۱۹ و آنه ماری شیمیل، محمدرسول خدا(ص)، مترجم حسن لاهوتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۳-۱۱۲).



تصویر ۱۱: معراج حضرت محمد (ص)، نسخه‌ی کتابخانه برلین.

نگاره دوم این داستان (تصویر ۱۱) حضرت محمد (ص) را سوار بر براق و در طی مسیر سفر به تصویر کشیده است. فرشتگان خدا، در این سفر معجزه آسا و استثنایی حضرت را همراهی می‌کنند. چهره حضرت با بخشی از عمامه‌اش پوشیده شده است. در مقابل ایشان شیری در حالت نشسته تصویر شده و پشت سر او خورشید^{۶۵} خودنمایی می‌کند. همچنین در پشت سر حضرت محمد (ص) فرشته‌ای، علمی با پارچه‌ای سبز رنگ در دست دارد که بر روی آن نوشته شده است «یاالله». در این نگاره حضرت به همراه براق و شیر در پوششی از هاله‌ای نورانی قرار گرفته‌اند. همانند نگاره‌های پیشین در توصیف ماجرا از شعر استفاده شده که به صورت یک بیت در بالا و یک بیت در پایین به خط نستعلیق آورده شده است.^{۶۶}

مضمون هر دو این ابیات به شخصیت و جایگاه والای حضرت اشاره دارد. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره همچون نگاره قبلی، آبی سیر، قرمز، سبز، نارنجی، زرد و طلایی است. در پس‌زمینه، ستارگان و اجرام آسمانی نیز به تصویر کشیده شده‌اند.

داستان فتح خیبر به دست حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) مولود خانه کعبه، پسر عم، یاور، حامی و داماد رسول خدا (ص) بود و اولین مردی بود که به اسلام ایمان آورد و تا زمانی که در خانه خدا به ضرب شمشیر شقی‌ترین انسان‌ها به شهادت رسید همواره در راه خدا و در جهت رسیدن به دینی بدون تفرقه و حکومتی اسلامی بر مبنای دستورات خداوند و تعالیم آخرین فرستاده‌اش گام برداشت. در داستان‌های تاریخ از او به‌عنوان پهلوان و دلاور سپاه اسلام یاد می‌کنند و شاعران در وصف شخصیت و جایگاه آن حضرت شعرها سروده‌اند. حضرت علی (ع) در تمامی جنگ‌ها و غزوات در کنار حضرت محمد (ص) و سپاهیان اسلام از جمله آن‌ها، جنگ خیبر، که با گروهی از یهودیان انجام گرفت، حضور داشتند.^{۶۷}

در این پیکار، علی (ع) به سبب چشم‌درد، از جنگ ناتوان بود. پیامبر، ابوبکر را فراخواند و پرچم را بدو سپرد، ابوبکر با سپاهی از مهاجرین به جبهه رفت ولی پیروزی نیافت و بازگشت. فردا، عمر به همان ترتیب رفت و ناپیروزمند بازگشت در حالی که مسلمان‌ها را از مبارزه می‌ترسانید و مسلمانان نیز او را. پیامبر فرمود، پرچم از آن ایقان نبود، علی را بیاورید. به‌عرض رسید: او چشم‌درد دارد. فرمود: او را بیاورید، او مردی است که خدا و پیامبرش او را دوست دارند و او نیز خدا و پیامبرش را دوست دارد. علی را آوردند، پیامبر فرمود: علی از چه ناراحتی؟ ایشان فرمود: از چشم‌درد و سردرد، پیامبر او را دعا کرد و از آب دهان بر سر و چشم او کشید، درد برخاست و علی نیز پرچم سفید را برافراشت و در دست گرفت. پیامبر خدا فرمود: جبرئیل همراه توست و پیروزی از آن توست. خدا در دل آنان ترس و بیم افکنده و بدان! آنان در کتاب خویش یافته‌اند که نام کسی که مغلوبشان می‌سازد ایلیا (علی) است، چون به آنان رسیدی بگو نام من علی است، به اراده خداوند، خوار خواهند شد.^{۶۸} داستان فتح خیبر در قصص الانبیا نیشابوری به صورت کامل و مشروح آمده است.^{۶۹}

۶۵- شیر و خورشید، نمادی ملی و مربوط به ایرانیان باستان است و در طول تاریخ، به شیوه‌های مختلف بر روی پرچم و بیرق ایران کاربرد داشته و با تغییر و تحول حکومتی این نشان تغییر نمی‌یافته است. خورشید نماد مهر (میترا) و شیر نشانه مردانگی و دلاوری است و همچنین شیر یا آسَد پیشنامی از نام‌های حضرت علی است که او را اسدالله می‌خوانند. شاید قصد نگارگر از ترسیم شیر و خورشید در این نگاره ارتباط معنوی ایرانیان در طول تاریخ اسلام با ائمه (ع) است و این که شاهان صفوی خود را از انساب حضرت علی (ع) می‌دانستند. برگرفته از پایگاه ۱۲/۷-۸۶ ساعت ۸:۵۲ www.marlikiran.tripod.com

۶۶- بیت بالای نگاره: بحر محیط از کف جودش کفی / نه فلک از آتش مهرش نفی
بیت پایین نگاره: پایه معراج کمین پایه‌اش / از سرما کم نشود سایه‌اش

۶۷- از آن جهت که آنان با مشرکین روابط نظامی و اقتصادی داشتند و امنیت مسلمانان از سوی آن‌ها تهدید می‌شد، در سال هفتم / اول مسلمانان به سوی خیبر که ستاد مرکزی دشمن به‌شمار می‌آمد حرکت کردند و پس از محاصره و جنگ، یهودیان تسلیم حکومت اسلامی شدند. (نگرشی کوتاه بر زندگی پیامبر اسلام، موسسه‌ی در راه حق، قم، چاپ پنجم، ۱۳۶۱، صص ۹۹-۱۰۰)

۶۸- پیشوای اول، حضرت امیرمؤمنان علی (ع)، بی‌تا، موسسه در راه حق، قم، ۱۲.

۶۹- در قصه چنین آمده است که چون سال هفتم بود، رسول علیه‌السلام به مکه آمد، و طواف بکرد، و عمره بیاورد، و هدی آورد، و بیرون آورد، و از مکه بمدینه آمد، و با ده هزار مرد بجنگ خیبر بیرون آمد، و بر سر خیبر فرود آمد. و خلقی بسیار نیز از جهودان از خیبر بیرون آمدند، و صف برکشیدند. مبارزی از جهودان بیرون آمد و مبارزی از مسلمانان بیرون رفت. سه تن یا هفت تن از مسلمانان کشته شد و مسلمانان ضعیف‌دل شدند. چون رسول آن حال بدید گفت علی را بخوانید. و آن روز چشم علی درد می‌کرد. رسول صلی‌الله علیه وسلم دعا کرد در ساعت بهتر شد. علی با ذوالفقار بیرون رفت. و مبارز خواست و سه مبارز از گردن کشان ایشان بکشت. چون جهودان آن بدیدند همه هزیمت شدند، و مسلمانان از پس ایشان در آمدند تا بخبر رسیدند و جهودان خیبر را حصار کردند. چون مسلمانان اندر رسیدند یافتند در حصار استوار کرده. علی در آمد و حلقه‌ی در را بگرفت و از جای خویش برکند، و چهل گز از پس پشت بینداخت، و اندیشید که این من کردم. جبرئیل علیه‌السلام خود را بدو نمود که من با تو بودم. (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، ص ۴۳۹).

دو نگاره مربوط به واقعه‌ی فتح قلعه خیبر یکی از نسخه دوم کتابخانه ملی نیویورک و دیگری نسخه هشتم موجود در موزه توپ‌قاپی سرای استانبول گزینش شده است. نسخه موجود در استانبول دارای ۱۶۸ صفحه و ۲۹ تصویر است. در روی جلد چرمی آن یک شمشه طلایی وجود دارد. نوشته‌های متن به خط نستعلیق سیاه، سرفصل‌ها و سرلوح‌ها به رنگ آبی، عبارات قرآنی به رنگ‌های قرمز و طلایی است. رنگ‌های مورد استفاده در آن طلایی، نارنجی و سبز روشن است.

نگاره اول (تصویر ۱۲) حضرت علی (ع) را در حالی که دروازه‌ی قلعه در دست چپ دارد در پایین سمت چپ تصویر دیده می‌شود. در سمت راست تصویر، دیوارهای قلعه با تزیینات آجری شکل رسم شده‌اند. در بالای قلعه، افرادی از یهودیان، تیر و کمان به دست، در حال تیراندازی به حضرت علی (ع) هستند. در پشت سر ایشان فردی در کنار مرکبی ایستاده است. در سمت راست نگاره، حضرت محمد (ص) نظاره‌گر حادثه است. سرهای مبارک حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در هاله‌ای نورانی طراحی شده و صورت آن‌ها پوشانده شده است. یکی از نکات جالب توجه در این نگاره آن است که بر روی دیوار قلعه، دو روزنه تصویر شده که از آن‌ها دهانه توپ بیرون آمده است. از آن روی که این نگاره‌ها در دوران صفوی ترسیم شده، این اجزاء متأثر از شرایط و موقعیت اجتماعی و تجهیزات نظامی آن دوره است. در کادر بالا و پایین صفحه، همچون نگاره‌های قبلی، بخشی از داستان فتح قلعه خیبر به خط نستعلیق نگارش شده است. استفاده از رنگ‌های آبی و بنفش بیشتر از دیگر رنگ‌ها دیده می‌شود. هیبت افراد تصویرشده، از نظر چهره و لباس، گویای اقتدار حکومت صفوی است. در این داستان بر شخصیت و جایگاه بلندمرتبه حضرت علی (ع) به عنوان یاور، وصی پیامبر و پهلوان سپاه اسلام تأکید شده است. به علاوه واقعه خیبر یکی از حوادث جنگی مهم مسلمانان صدر اسلام است که حضرت علی (ع) در آن نقش ویژه‌ای داشته است.

نگاره دوم این داستان - نسخه‌ی هشتم موزه توپ‌قاپی سرای استانبول - (تصویر ۱۳)، حضرت علی (ع) را با هاله‌ای نورانی و چهره‌ای پوشیده در حالی که در قلعه در دست راست ایستاده است، تصویر شده است. در بالای قلعه نیز افراد سپاه یهود با تیر و کمان در حال تیراندازی و یا پرتاب سنگ به پایین هستند. در پشت سر ایشان همچون نگاره قبلی فردی مرکب ایشان را در دست دارد و حضرت محمد (ص) با چهره‌ای پوشیده در بالای سمت راست تصویر در میان افراد و سپاهیان و در حال گفتگو با آن‌ها، نظاره‌گر حادثه است. این نگاره متأسفانه به شکل سیاه و سفید بررسی می‌گردد که البته اجزاء و نحوه قرارگیری افراد همچون نگاره قبل است. با این تفاوت که گویی اجزاء تصویر حالتی قرینه نسبت به نگاره قبل دارد.

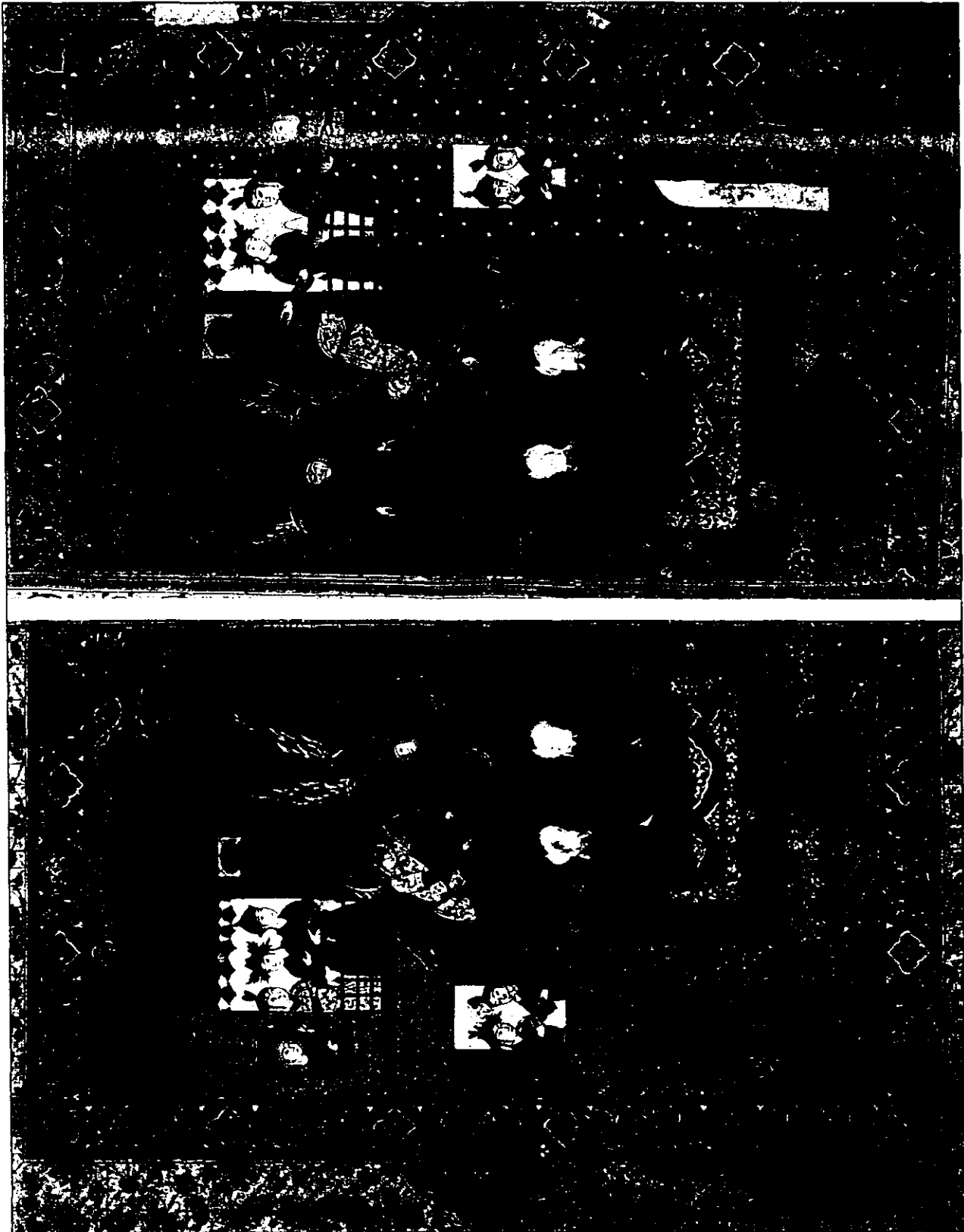
نگاره پایانی مربوط به تصاویر ابتدایی و انتهایی نسخه‌ها است. برخی از نسخه‌های قصص‌الانبیا دارای تصاویر دو تکه‌ای یا دولته‌ای هستند که یا در بخش ابتدایی نسخه و یا در بخش انتهایی قرار دارند. نگاره مورد بحث (تصویر ۱۴) تصویر دو قسمتی نسخه دوم محفوظ در کتابخانه ملی نیویورک را نشان می‌دهد. این نگاره دو قسمتی پیامبران در بهشت لقب گرفته است.

همان‌طور که اشاره شد هدف ارائه این تصاویر در انتهای نسخ، به دست آوردن آرزوی انسان‌ها در رسیدن به بهشت و ملکوت آسمانی است که جایگاه پیروان راه حق و حقیقت است. این نگاره نیز پیامبران خداوند را، در جایگاه برگزیدگان، در بهشت ترسیم کرده است. این نگاره دو قسمتی تا حدودی حالت قرینه دارد (در بخش شکل و هیبت عمارت‌ها). چهار پیامبر با چهره‌های پوشیده، هاله‌های نورانی اطراف سر و بر روی تختی نشسته‌اند و در جلوی آن‌ها حوض و نهر آبی قرار دارد، ترسیم شده‌اند. بالای سر مبارک هر یک از آن‌ها، فرشتگانی با بال‌های گشاده، که در دستانشان نور است قرار دارند. در عمارت‌های دو قسمت نگاره، افراد دیگری قرار دارند که گویی از بهشتیان و فرشتگان هستند که در دستانشان مانده‌های بهشتی دارند. در میانه دو قسمت نگاره، شعله‌هایی رو به آسمان، مشابه هاله‌های دور سر پیامبران ترسیم شده است. گویی نگارگر می‌خواسته است بدین شیوه، شخص دیگری که مورد احترام است را به تصویر کشد. به احتمال بسیار قوی نگارگر قصد ترسیم تصویر پنج پیامبر اولوالعزم را داشته است که در میان آن‌ها حضرت محمد (ص) به صورت هاله‌ای نورانی تصویر شده است. چهار پیامبر نشسته بر روی تخت حالت و جهت چهره به سمت مرکز یعنی همان شعله و هاله نورانی است. از میان پیامبران و فرستادگان خداوند، پنج نفر برگزیده خداوند است و در این میان جایگاه ویژه خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (ص) ارجح‌تر و بلندتر است. سطح کار پوشیده از گل و بوته‌های بسیار زیبا است. ترسیم گل و بوته‌ها، حوض و نحر آب و عمارت‌هایی در دوسوی آن‌ها،

که به زیبایی باغی بهشتی را نشان می دهد، متأثر از شیوه های معماری در ساخت باغ ها و کوشک های زیبایی است که انسان ها آن ها را بر روی زمین ساخته اند تا جلوه ای از بهشت ابدی خداوند باشد. مرتبه خاتم الانبیایی محمد(ص)، به این معنی است که او مُهر و ختم کننده ی همه پیامبران پیش از خویش است.



تصویر ۱۲: بالا، از جای در آوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی(ع)، نسخه ی کتابخانه ملی نیویورک.
تصویر ۱۳: پایین، از جای در آوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی(ع)، نسخه ی هشتم موزه توپ قابی سرای استانبول.



تصویر ۱۴: پیامبران در بهشت، نسخه‌ی دوم
کتابخانه نیویورک.

نتیجه گیری

در دوران صفویه در میانه سده‌ی شانزدهم، دهم که آغازگر بزرگترین جریان مذهبی که همانا رسمیت یافتن مذهب شیعه در طول تاریخ ایران بوده است، تفکرات دینی و مذهبی، در ارتباطات و تحولات گسترده آن زمان، شکلی جدید و جدی به خود گرفت. از این روی، نقل، ترسیم و تصویرسازی کتب مذهبی و از همه مهمتر کتب با مضامین برگرفته از کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن، با استفاده از شیوه‌ها و سبک‌های مختلف آن زمان، که متأثر از هنرهای دوره‌های پیشین هم بوده است، به شکلی جدید مورد توجه قرار گرفت. نکته حائز اهمیت آن است که برخلاف دوره‌های گذشته که تصویرسازی کتب، منحصرأ در اختیار دربار بوده است در این دوران به جز کارگاه‌های دولتی و سلطنتی، مراکز و شهرهای مختلفی به صورت مجزا به امر تصویرسازی کتب مذهبی پرداخته‌اند.

نسخه‌های مصور این دوره، به خصوص نسخه‌های مذهبی از جمله قصص الانبیا، دارای شیوه‌ها و سبک‌های مختلف اجرایی و تنوع تاریخی و مکانی هستند که تا حدودی با نسخه‌ها و کتب مصور دیگر دوره، تفاوت‌هایی از لحاظ ترکیب‌بندی و هیئت و پوشش افراد در تصاویر دارند. نگارگران نسخه‌های مصور قصص الانبیا به جهت داستان‌های خاص خود شیوه و سبک اجرایی مبتکرانه‌ای داشته‌اند. داستان‌های برگرفته شده در این نسخه‌ها، عموماً داستان‌های مهم برگرفته از قرآن و در بسیاری از موارد معجزات پیامبران و یا عذاب قومی خاص، نقل شده در قرآن است و از این میان داستان‌های پیامبران صاحب کتاب و شریعت حائز اهمیت بوده است و هدف اصلی ترسیم این نوع داستان‌ها، آگاهی بخشیدن و تحت تأثیر قرار دادن بینش و تفکر مردم نسبت به آیات قرآنی و حوادث نقل شده در داستان‌های این کتاب مقدس است.



فهرست تصاویر

- تصویر ۱: نوح (ع) در حال ساختن کشتی. نسخه‌ی هفتم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۲۱.
 تصویر ۲: نوح (ع) و پیروانش در کشتی، نسخه‌ی دوم کتابخانه ملی نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۶.
 تصویر ۳: ابراهیم (ع) در آتش نمرود، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۳، ص ۲۷۸.
 تصویر ۴: ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی دوم کتابخانه پاریس، منبع ۳، ص ۲۸۱.
 تصویر ۵: ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی چهارم موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۸۹.
 تصویر ۶: ابراهیم (ع) و اسماعیل بعد از ساختن خانه کعبه نماز می‌گذارند، نسخه‌ی اول کتابخانه ملی نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۳.
 تصویر ۷: تبدیل شدن عصای موسی (ع) به اژدها و پیروزی بر جادوگران و ساحران مصری، نسخه‌ی چهارم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۶۷.
 تصویر ۸: سخن گفتن حضرت عیسی (ع) بعد از ولادت، نسخه‌ی خطی پنجم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول
 تصویر ۹: بدل عیسی بر پای چوبه دار، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۳، ص ۲۶۹.
 تصویر ۱۰: حضرت محمد (ص) در آغاز سفر معراج، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۴، ص ۱.
 تصویر ۱۱: معراج حضرت محمد (ص)، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۴، ص ۳.
 تصویر ۱۲: از جای درآوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی (ع)، نسخه‌ی کتابخانه ملی نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۸.
 تصویر ۱۳: از جای درآوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی (ع)، نسخه‌ی هشتم موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۵۹.
 تصویر ۱۴: پیامبران در بهشت، نسخه‌ی دوم کتابخانه نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۹.

فهرست منابع

- ۱- نیشابوری، ابواسحاق، قصص الانبیا، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و هنری، ۱۳۷۸
- ۲- رسولی‌محللاتی، سیدهاشم، تاریخ انبیا، محل نشر تهران، انتشارات علمیه اسلامی، جلد اول، ۱۳۶۸
- 3-Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, California: Mazda publishers, 1999.
- 4-Die Freunde Gottes, *Die Bilder welt einer persischen luxu shand schri ft des Jahrhunderts*, museum fur Islamische kunst Staatliche museem zu Berlin, no date.
- ۵- نگرشی کوتاه بر زندگی پیامبر اسلام، موسسه در راه حق، قم، ۱۳۶۱
- ۶- هیئت تحریریه، پیشوای اول حضرت علی (ع)، قم، موسسه در راه حق، بی تاریخ
- ۷- شایسته‌فر، مهناز، هنر شیعی، تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴
- ۸- رزسگای، ماری، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵
- ۹- ادیب‌بهروز، محسن، معراج از دیدگاه قرآن و روایات، بی‌جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴
- ۱۰- ماری‌شیمیل، آنه، محمد رسول خدا (ص)، مترجم حسن الاموتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳
- ۱۱- شایسته‌فر، مهناز، تأثیر سیره پیامبر (ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۵، ۱۳۸۵، صص ۱۴۰-۱۱۹
- ۱۲- ملبوبی، محمدتقی، مقاله روش‌شناسی قصه در قرآن، کتاب ماه هنر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۷۸، صص ۲۹-۲۴
- ۱۳- رجیبی، محمدعلی، جلوه‌های آیات و اذکار در نگارگری اسلامی ایران، کتاب ماه هنر، تهران، وزارت ارشاد اسلامی شماره ۱۲، ۱۳۷۸، صص ۲۱-۱۶
- ۱۴- مددپور، محمد، نظری و تأملی در باب صورت‌های خیالی اولیای الهی در نگارگری ایرانی اسلامی، ساعت ۲۰:۰۸، ۸۶/۱۱/۳۰، www.aftab.ir/articles/art_culture/painting
- ۱۵- حسینی، مهدی، قصص الانبیا به روایت تصویر، فصلنامه خیال، تهران، فرهنگستان هنر، شماره ۱۳، ۱۳۸۴، صص ۱۲۱-۱۱۴
- ۱۶- کاظم، مزده، نقد منتخبی از نگارده‌های قصص الانبیا (اواخر قرن یازدهم ه.ق)، پایان‌نامه، کارشناسی ارشد صنایع دستی، مهدی حسینی، دانشگاه هنر، ۱۳۸۴
- ۱۷- نگرشی بر قصص الانبیا، ابن‌اسحاق ثعلبی و قصص قرآن دلیل رسالت پیامبر اکرم (ص)، ماهنامه گلستان قرآن، شماره ۷۳، ۱۳۸۰، صص ۴۱-۴۰
- ۱۸- قرآنی، محسن، تفسیر نور (تفسیر کامل قرآن)، بر گرفته از ساعت ۲۰:۰۵، ۸۶/۱۲/۱۴، www.qaraati.net
- ۱۹- ساعت ۲۰:۰۸، ۸۶/۱۲/۷، www.marlikiran.tripod.com
- ۲۰- ساعت ۲۰:۱۱، ۸۶/۱۲/۱۵، www.lrib.ir
- ۲۱- ساعت ۲۰:۰۹، ۸۶/۱۲/۱۵، www.shoolnet.ir

